

خبرنامه



سال دهم، شماره هشتاد و نهم، شهریور ماه ۱۴۰۱

رئیس جمهور در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی:

ظرفیت‌های ارزشمند پژوهشگاه‌های علوم انسانی

برای غنا بخشیدن به علوم انسانی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد





فهرست

- ۳..... * تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب»، سرگذشت تنها مادر شهید ژاپنی دفاع مقدس
- ۵..... * آیت‌الله رئیسی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی: استفاده از ظرفیت‌های ارزشمند پژوهشگاه‌های علوم انسانی
- ۶..... * بازدید مدیران ارشد حوزه فرهنگ و تاریخ کشور از موزه ملی ایران
- ۸..... * پیام رئیس پژوهشگاه به مناسبت روز کارمند
- ۹..... * تصویب برنامه‌های درسی نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ در جلسه شورای تحصیلات تکمیلی
- ۱۲..... * انتشار مقاله استادیار پژوهشگاه علوم انسانی در نشریه مدیریت استراتژیک و کارآفرینی

نشست‌ها و سخنرانی‌ها:

- ۱۳..... * آشنایی با مسائل و موضوعات تاریخ فرهنگی
- ۱۹..... * در نشست «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها» مطرح شد: علم بدون بنیاد فلسفی، ساختن بنا بر روی آب است
- ۲۲..... * روسیه و نظم بین‌المللی در پیامد جنگ اوکراین
- ۲۴..... * تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و فرصت‌های پیش روی ایران
- ۲۶..... * فرهنگ صلح در آینه دین مبین اسلام

یادداشت‌ها:

- ۳۱..... * ابوریحان بیرونی و روز ملی مردم‌شناسی
- ۳۳..... * میهن پرست جاودانه: در بزرگداشت رئیس علی دلواری؛ رهبر قیام تنگستان علیه نیروهای اشغالگر بریتانیا



محرم از نگاه رهبر معظم انقلاب

در عاشورا، همبستگی و ایثار هست، جهاد و شهادت هست، رسالت و توحید و همه چیز در عاشورا هست. عاشورا اسلام را زنده نگاه داشته است. درس های عاشورا را باید درست فهمید و به یکایک آن عمل کرد و عاشورا صحنه ای کامل از زندگی اسلامی یک انسان است. محبت مردم به حسین بن علی (ع) ضامن حیات بقای اسلام است. نهضت حسینی با شهادت جان گرفت و نهضت عظیم کربلای خونین ملت ایران تداوم همان راه است. حسین (ع) آموزگار بزرگ شهادت است. بین نهضت امام حسین (ع) و انقلاب ایران شباهت های فراوان وجود دارد.



پرو، شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب»، سرگذشت تنها مادر شهید ژاپنی دفاع مقدس

کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب» یکی از آثاری است که به موضوع مقاومت و پایداری مردم ایران در جنگ تحمیلی پرداخته است. این اثر توسط حمید حسام و همکاری مسعود امیرخانی، کارشناس پژوهشکده دانشنامه‌نگاری پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، به نگارش درآمده که مورد توجه رهبر معظم انقلاب نیز قرار گرفته است. در مراسم سیزدهمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت، تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب «مهاجر سرزمین آفتاب»؛ خاطرات خانم سبا بابائی، بانوی دلاور و تنها مادر شهید ژاپنی دفاع مقدس منتشر شد.



متن تقریظ به شرح زیر است:

«بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سرگذشت پرماجرا و پرجاذبه‌ی این بانوی دلاور، که با قلم رسا و شیوای حمید حسام نگارش یافته است، جدا خواندنی و آموختنی است. من این بانوی گرامی و همسر بزرگوار او را سال‌ها پیش در خانه‌شان زیارت کردم. خاطره‌ی آن دیدار در ذهن من ماندگار است. آن روز جلالت قدر این زن و شوهر با ایمان و با صداقت و با گذشت را مثل امروز که این کتاب را خوانده‌ام، نمی‌شناختم؛ تنها گوهر درخشان شهید عزیزشان بود که مرا مجذوب می‌کرد. رحمت و برکت الهی شامل حال رفتگان و ماندگان این خانواده باد

اردیبهشت ۱۴۰۱



ساخت فیلم بر اساس زندگی خانم بابائی حرکت مهم و مؤثری در جهت معرفی و آبروبخشیدن به خانواده‌ی اسلامی و مرد مسلمان است، و نباید از آن غفلت شود.



آیت‌الله رئیسی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی:

استفاده از ظرفیت‌های ارزشمند پژوهشگاه‌های علوم انسانی برای غنابخشی به علوم انسانی اسلامی

رئیس‌جمهور بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های فراوان و ارزشمند پژوهشگاه‌های علوم انسانی در حوزه و دانشگاه در جهت غنا بخشیدن به علوم انسانی اسلامی تأکید کرد. ظرفیت‌های ارزشمند پژوهشگاه‌های علوم انسانی برای غنا بخشیدن به علوم انسانی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی بر ضرورت بهره‌گیری از ظرفیت‌های فراوان و ارزشمند پژوهشگاه‌های علوم انسانی در حوزه و دانشگاه در جهت غنا بخشیدن به علوم انسانی اسلامی تأکید کرد.



رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین با تأکید بر ضرورت ایفای نقش و بهره‌گیری از ظرفیت‌های پژوهشگاه‌های علوم انسانی در جهت بازسازی و اصلاح زیرساخت‌های فرهنگی کشور، از اعضای حقیقی و حقوقی این شورا خواست طرح‌ها و پیشنهادهای خود را برای این منظور به دبیرخانه شورا ارائه کنند. در ادامه جلسه گزارش عملکرد شورای تحول و ارتقای علوم انسانی مطرح و عملکرد این شورا در طول ۱۳ سال سپری شده از تأسیس آن در سال ۱۳۸۸ از سوی اعضا مرور شد.

بر اساس این گزارش شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در این مدت، در ۱۷ کارگروه علمی و با مشارکت ۵۱۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های کشور، ۱۹۲ رشته تحصیلی را در مقاطع کارشناسی، ارشد و دکترا مورد بازنگری قرار داده یا بدو تأسیس کرده است.

شورای تحول و ارتقای علوم انسانی با رویکرد اسلامی شدن رشته‌های دانشگاهی علوم انسانی و اجتماعی، بومی‌سازی و متناسب‌سازی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی با نیازها و زیست‌بوم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران اسلامی، ارتقای کارآمدی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی در راستای تدوین نظام مسائل کشور و توانایی رفع و حل این مسائل و روزآمدسازی رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی با تحولات روز عرصه علم و فناوری در حوزه‌های اقتصاد، سیاست و فرهنگ، با همکاری دانشگاه‌های مرجع و حوزه‌های علمی کشور همکاری داشته است.

در این مدت ۶۵۶ کتاب در حوزه علوم انسانی در حوزه‌های ۱۷ گانه مورد بررسی در شورای تحول و ارتقای علوم انسانی تألیف شده که ۵۶ مورد آن منتشر و بقیه در دست نهایی‌سازی و انتشار قرار دارند.

اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی پس از ارائه این گزارش ضمن قدردانی از تلاش‌های صورت گرفته، شورای تحول و ارتقای علوم انسانی را مکلف به بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های مراکز پژوهشی و دانشگاهی کشور برای به‌نتیجه رسیدن این اقدامات کرده و تأکید کردند که صرفاً از طریق علوم انسانی اسلامی می‌توانیم تحول در فرهنگ و استقرار جامعه اسلامی را محقق کنیم.

همچنین اعضا مقرر کردند که الزامات تقویت شورای تحول و ارتقای علوم انسانی در جلسه بعدی شورا مطرح شود تا مورد بررسی و رسیدگی قرار گیرد.

بازدید مدیران ارشد حوزه فرهنگ و تاریخ کشور از موزه ملی ایران

روز سیزدهم شهریورماه، موزه ملی ایران میزبان موسی نجفی رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و عضو شورای راهبردی موزه ملی ایران، محمد حسین رجبی دوانی رئیس بنیاد ایران شناسی و موسی حقانی رئیس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران بود. این بازدید که چند ساعت به طول انجامید همراه با توضیحات تخصصی از گالری‌های دوران شکار و گردآوری (پارینه سنگی)، دوره روستانشینی (نوسنگی و مس سنگی) و آغاز شهرنشینی و همچنین گالری‌های دوران تاریخی بود که توسط فریدون بیگلری معاون فرهنگی موزه، جبرئیل نوکنده، مدیر کل موزه و فیروزه سپیدنامه مدیر موزه ایران باستان ارائه شد.

این بازدید مفصل همراه با بحث و گفت‌وگو درباره اهمیت آثار به‌نمایش درآمده و تبادل اندیشه پیرامون تاریخ ایران همراه بود. در جلسه‌ای که پس از بازدید برگزار شد طرفین درخصوص تقویت همکاری‌های مشترک به بحث و گفت‌وگو پرداختند و مقرر شد بازدیدهای تخصصی بیشتر از سایر بخش‌های موزه ملی ایران در آینده نزدیک ادامه یابد.





پیام رئیس پژوهشگاه به مناسبت روز کارمند

دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به مناسبت چهارم شهریور، روز کارمند، پیام تبریکی منتشر کرد که در ادامه، متن کامل این پیام از نظرتان می‌گذرد:

بسم الله الرحمن الرحيم

امام علی علیه السلام:

«کاری که به عهد تو است، امانتی است که بر گردنت نهاده‌اند.»

روز کارمند فرصتی است شایسته برای قدردانی از عزیزانی که در مسیر تعالی و خدمت به جامعه، حضوری دلسوزانه و مسئولیت‌پذیر دارند. آنها گام سپردن در مسیر خدمت صادقانه به دیگران و کمک به تحقق اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را همواره در صدر کارهای خود قرار می‌دهند و در این راستا از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند.

کارمند شخص مسئولیت‌پذیری است که همیشه می‌کوشد تا در جهت تحقق اهداف راهبردی سازمان و حرکت به سمت برنامه‌های تعیین‌شده دارای نقش مؤثر و کارآمدی باشد. تلاش‌های مضاعف و سازنده او تبدیل به گام‌های بلندی خواهد شد که رسیدن به رشد و تعالی را در پی دارد.

کارمندان ارجمند تلاش خالصانه و صادقانه شما آینه وظیفه‌شناسی و پژوهش‌دانی و تعهد است و بی‌تردید نتیجه بذرتلاش و کوشش شما درخت امید است که به بار می‌نشیند و نویدبخش آینده‌ای پرنشاط و روشن خواهد بود.

درود بر همت بلندتان که پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به‌عنوان بزرگترین نهاد علوم انسانی در کشور را به کانونی فرهیخته، دانش‌محور و جریان‌ساز فرهنگی و علمی تبدیل ساخته‌اید. بدین‌وسیله ضمن تبریک روز کارمند از کوشش‌ها و فعالیت‌های دلسوزانه و بی‌دریغ‌تان تشکر و قدردانی می‌کنم.

موسی نجفی

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در جلسه شورای تحصیلات تکمیلی صورت گرفت:

تصویب برنامه‌های درسی نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲

جلسه شورای تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه چهاردهم شهریور ماه با حضور اعضای شورا تشکیل شد و علاوه بر بررسی طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری، برنامه‌های درسی نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی دانشجویان مقطع دکتری پژوهشگاه نیز به تصویب رسید.

ضرورت تسریع در معرفی و صدور احکام مدیران گروه‌های پژوهشی

در ابتدای جلسه دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه، با سلام و درود بر پیامبر خاتم صلّٰا... علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، اظهار امیدواری کرد: هم‌زمان با آغاز سال تحصیلی جدید، با معرفی و صدور احکام مدیران گروه‌های پژوهشی پژوهشگاه و گروه‌های پژوهشی مستقل و تعداد دیگری از مدیران اداری و اجرایی، فعالیت‌ها و برنامه‌های پژوهشگاه با جدیت، انرژی و نشاط بیشتری پیگیری شده و با دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده، زمینه‌های رشد و تعالی جایگاه پژوهشگاه فراهم شود.



دکتر نجفی با اشاره به برخی مسائل و موضوعات مطرح شده درباره سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت پژوهشگاه، متذکر شد: چنانچه بارها در جلسات مختلف شورای پژوهشی و سایر جلسات پژوهشگاه مطرح شده است، سیاست و راهبرد مدیریت فعلی پژوهشگاه عدم دخالت در برنامه‌های پژوهشگاه و مراکز پژوهشی و اعضای هیأت علمی بوده و از وظایف رئیس پژوهشگاه و مراکز است که بتوانند با تدبیر و برنامه‌ریزی لازم، برنامه‌های مختلف پژوهشی، آموزشی، اداری و اجرایی اعضای پژوهشگاه و مراکز مدیریت و جامعه عمل ببوشانند، اگرچه در صورتی که مسائل و چالش‌هایی مرتبط با مسئولیت‌های رئیس پژوهشگاه باشد، به آنان یاری و مساعدت لازم خواهد شد. رئیس پژوهشگاه با تأکید مجدد بر ضرورت شکل‌گیری محیط آرام و به دور از تنش برای انجام پژوهش‌ها و برنامه‌های علمی و آموزشی اعضای هیأت علمی در پژوهشگاه، خاطر نشان کرد: این امر به معنای رها کردن و بی‌برنامگی در فرایندهای اداری و اجرایی پژوهشگاه نبوده و در حقیقت باید شأن و منزلت اعضای هیأت علمی حفظ شود و همان‌گونه که شایسته یک مرکز علمی و فرهنگی است، رئیس پژوهشگاه در مقام هدایت و رشد و توسعه فعالیت‌ها و زمینه‌سازی برای گسترش برنامه‌ها یاری‌رسان اعضا باشد تا با شکل‌گیری چنین محیطی، اعضای هیأت علمی بتوانند به تحقق برنامه‌های علمی و پژوهشی خود نائل شوند.

ایجاد و تجهیز کتابخانه پژوهشکده‌ها و مراکز جهت نمایش کتاب‌های استادان پژوهشگاه

رئیس پژوهشگاه با اشاره به پیشنهاد پژوهشکده زبان‌شناسی به منظور ایجاد کتابخانه‌ای برای نمایش آثار و تألیفات استادان این پژوهشکده، از تجهیز یکی از اتاق‌های این پژوهشکده بدین منظور خبر داد و گفت: با ایجاد چنین کتابخانه‌ای می‌توان علاوه بر نمایش آثار اساتید پژوهشگاه، امکان دسترسی و مطالعه سهل‌تر این آثار را برای پژوهشگران و دانشجویان فراهم کرد و سایر پژوهشکده‌ها و مراکز نیز می‌توانند چنین زمینه‌ای را برای اعضا و دانشجویان خود فراهم کنند.

دکتر فوزی: اهمیت برنامه‌ریزی مناسب برای ایجاد دوره‌های دکتری در پژوهشگاه



در ادامه جلسه، دکتر یحیی فوزی، معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، با اشاره به تدوین و تصویب آیین‌نامه فرصت پژوهشی پسادکتری پژوهشگاه، بر اهمیت برنامه‌ریزی شایسته و مناسب در راه‌اندازی دوره‌های دکتری در پژوهشگاه تأکید کرد و گفت: چنین نیست که صرفاً راه‌اندازی یک دوره دکتری در رشته یا گرایشی اهمیت داشته باشد و ضرورت دارد چارچوبی برای تقویت و ایجاد دوره‌های دکتری تعریف شود. دکتر فوزی در ایجاد رشته‌ها یا گرایش‌های مختلف در دوره دکتری، بر لزوم توجه به زمینه‌ها و رشته‌ها و گرایش‌هایی که در سایر دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، تأکید و لزوم انجام بررسی‌های لازم و بذل دقت کافی در این زمینه را به رئیس‌ان پژوهشکده‌ها متذکر شد.

تصویب برنامه‌های درسی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲



سپس دکتر روح‌ا... کریمی، مدیر تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه، به جذب ۱۹ نفر دانشجو در مقطع دکتری در رشته‌ها و گرایش‌های مختلف از جمله: علوم سیاسی، زبان و ادبیات فارسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حکمت متعالیه در سال جدید تحصیلی در پژوهشگاه اشاره کرد و گفت: در گرایش حکمت متعالیه تعداد ۳ نفر و در سایر رشته‌ها هریک ۴ نفر جذب پژوهشگاه شده‌اند. سپس برنامه‌های درسی نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی دانشجویان مقطع دکتری پژوهشگاه شامل رشته‌های علوم سیاسی؛ جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران؛ زبان‌شناسی؛ فلسفه دین؛ حکمت متعالیه؛ فلسفه علم و فناوری؛ تاریخ ایران بعد از اسلام، و زبان‌های باستانی ایران بررسی و به تصویب اعضای شورا رسید. اعضای شورا ضمن بررسی و

تبادل نظرهای خود، بر ضرورت بهره‌گیری از اعضای هیأت علمی داخل پژوهشگاه در تدریس دروس تأکید کردند و مقرر شد رئیس‌ان پژوهشکده‌ها برنامه‌ریزی لازم را در این زمینه صورت دهند.

همچنین با توجه به مصوبات پیشین شورا و لزوم آشنایی دانشجویان با فرهنگ و تمدن ایران، استادان موردنظر برای تدریس درسی در زمینه آینده‌پژوهی تمدن ایران معین و مقرر شد مطابق مصوبات صورت گرفته این درس به صورت مشترک با حضور همه دانشجویان رشته‌های مختلف پژوهشگاه برگزار شود. با توجه به نظر اعضای شورا مقرر شد ۸ جلسه از جلسات درس روش تحقیق در علوم انسانی نیز به صورت مشترک با حضور همه دانشجویان برگزار شود.

بررسی و تصویب طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان مقطع دکتری

در بخش پایانی جلسه شورا مطابق دستور جلسه مقرر، طرح‌نامه پیشنهادی رساله‌های دانشجویان دوره دکتری پژوهشگاه پس از بررسی از سوی اعضا، به تصویب رسید. در این بخش از جلسه، دو طرح‌نامه پیشنهادی دانشجویان رشته علوم سیاسی از پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. ابتدا طرح‌نامه پیشنهادی خانم کبری لشکری که به پژوهش در زمینه ارتباط مباحث تمدن نوین اسلامی و راهبرد مقاومت در مواجهه با اندیشه‌های استعماری اختصاص دارد و سپس طرح‌نامه پیشنهادی سیدعلی لطیفی که ارتباط و نسبت میان جمهوریت و حقیقت در جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد، مورد بحث و تبادل نظر اعضای شورا قرار گرفت.

ابتدا دانشجویان نامبرده در جلسه شورا حاضر و پس از تشریح و دفاع از موضوعات پیشنهادی، به سؤالات مطرح شده از سوی اعضای شورا پاسخ دادند. براساس مباحث صورت گرفته و مطابق نظر اعضای شورا اصلاحاتی در عناوین رساله‌ها صورت گرفت و بر ضرورت تصریح و تنقیح بیان مسئله، تعریف مفاهیم، روش پژوهش و ... تأکید و نکات پیشنهادی مورد نظر اعضا برای بازبینی در طرح‌نامه‌ها مطرح شد.

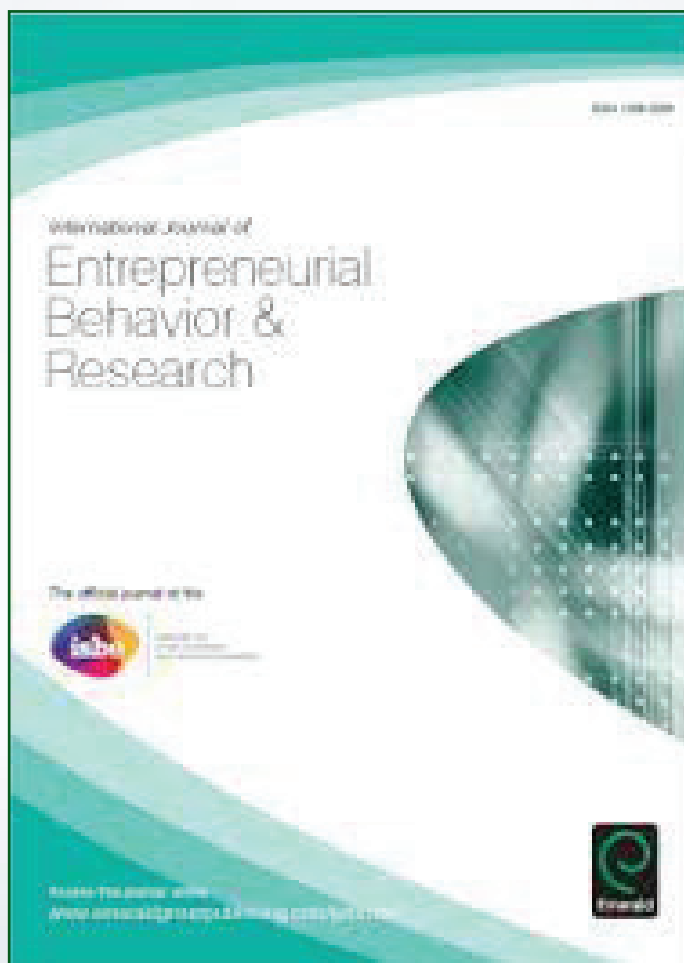


انتشار مقاله استادیار پژوهشگاه علوم انسانی در نشریه مدیریت استراتژیک و کارآفرینی

مقاله دکتر نادر سیدکلالی، استادیار و عضو هیأت علمی گروه مدیریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با عنوان «Entrepreneurial Orientation in Family Firms: The Effects of Long-term Orientation» در نشریه International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research منتشر شد.



این مجله از معتبرترین نشریه‌های حوزه مدیریت استراتژیک و کارآفرینی است که در ISI، JCR-Clarivate و Scopus نمایه شده است. موضوع مقاله دکتر سیدکلالی، بررسی تأثیر جهت‌گیری بلندمدت سازمانی بر رفتارهای کارآفرینانه در کسب‌وکارهای خانوادگی پارک‌های علم و فناوری ایران است. یافته‌های این پژوهش بر نگاه استراتژیک و آینده‌نگرانه و طرح‌ریزی ساختار و فرایندهای متناسب با آن در سازمان تأکید می‌کند تا به کمک آن توسعه کسب‌وکار، کارآفرینی و دستیابی به سطوح بالای عملکردی امکان‌پذیر شود.



آشنایی با مسائل و موضوعات تاریخ فرهنگی

نشست «آشنایی با مسائل و موضوعات تاریخ فرهنگی» با حضور دکتر علی رجبلو، دکتر محمدمیر احمدزاده و فرانک جمشیدی ۱۶ شهریورماه برگزار شد.

در این نشست، دکتر علی رجبلو استاد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا به بحث درباره مراحل اصلی تعامل دانش تاریخ با نظریه اجتماعی پرداخت که حاصل این تعامل شکل‌گیری برخی دانش‌های میان رشته‌ای همچون تاریخ فرهنگی بوده است. او گفت: تاریخ فرهنگی بر این اساس یک امر میان‌رشته‌ای است و شامل دانش‌هایی همچون جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و تاریخ است که هر کدام شعباتی دارند اما طی ۳۰ سال گذشته تاریخ فرهنگی پررنگ‌تر شده است. تاریخ فرهنگی از ابتدا بود اما در محاق مطالعات تاریخ سنتی و در لابه‌لای متون تاریخی قرار داشته است.

دکتر رجبلو افزود: شکل‌گیری گفتمانی این رویکرد از سال ۱۹۷۰م شروع شد. او چالش‌های تاریخ و نظریه اجتماعی را امر مهمی در شکل‌گیری تاریخ فرهنگی برشمرد و گفت: در سال ۱۳۸۸ پیشنهاد ترجمه «کتاب تاریخ فرهنگی چیست؟» نوشته پیتر برک داده شد و یک سال بعد منتشر شد که اولین اثر ترجمه‌شده فارسی به‌شمار می‌رود. او به بررسی کتاب «دیدگاه» به کوشش فرانک جمشیدی و خود پرداخت که مطالعه موردی بازتاب رویکرد تاریخ فرهنگی در مطالعات جنگ ایران و عراق است.

وی چالش نظریه اجتماعی و تاریخ را به نفع تاریخ فرهنگی برشمرد و افزود: پدیده ظهور تاریخ فرهنگی از اوایل قرن هجدهم نمود پیدا کرده که در آن ادوار می‌توان به دورکیم و بورکهارت نگاه کرد که خود را مورخ می‌دانستند یا موتسکیو به بررسی مطالعات تاریخی در رویکردی غیرپوزیتیویستی پرداخته است. پس در قرن هجدهم یک وفاق بین مورخان با نظریه پردازان اجتماعی رخ داده است حال آنکه در قرن نوزدهم امثال رانکه به تفکیک بین تاریخ و نظریه اجتماعی پرداختند و تاریخ در محاق قرار می‌گیرد. وبر در کتاب «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» بیشتر بر نظریه اجتماعی تکیه دارد و تاریخ به انزوا می‌رود. «وبر» سعی کرده تا هم از پوزیتیویسم و هم از قیاس بهره گرفته است و از این حیث یک دانشمند استثناست.

نظریه اجتماعی را باید در بستر تاریخ مطالعه کرد



دکتر رجبلو افزود: نیمه دوم قرن بیستم مجدداً بین تاریخ و نظریه‌پردازان اجتماعی پیوند برقرار شد. آنان با نقد پوزیتیویسم، چارلز تیلی، کلبفورد گیرتز و دیگران ضمن مطالعه مشاهده‌ای به این نتیجه رسیدند که نظریه اجتماعی را باید در بستر تاریخ مطالعه کرد. او گفت: تحولات صنعتی و تحولات اجتماعی پس از جنگ جهانی نیز این امر را توسعه داد چون مردمان از یک جایگاه تاریخ‌ساز برخوردار شدند. در کتاب تغییرات اجتماعی «گی روشه» همچون متفکران قرن بیستم به این نتیجه رسید و بر این امر تأکید داشتند که تغییر در ذات جامعه است لذا، از ترکیب رشته‌ها به خلق دانش‌های جدید پردازد تا به بررسی و درون‌کاوی تحولات بدون هیچ چارچوبه‌های سخت‌رشته‌ای توفیق یابد.

این استاد جامعه‌شناسی تأکید کرد: در نیمه دوم قرن بیستم، بشر از میان انواع مطالعات بین‌رشته‌ای به تاریخ فرهنگی رسید و متفکران مدعی شدند که فرهنگ مغفول واقع شده است و باید در تحلیل مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دخالت داده شود. وی ضمن برشمردن برخی موضوعات تاریخ فرهنگی همچون تاریخ زنان، تاریخ قومیت‌ها، تاریخ هنرهای بومی، گروه‌های حاشیه‌ای و گروه‌های طرد شده مبنا و بستر مطالعات تاریخ فرهنگی قرار گرفتند. از اوایل قرن بیست و یکم مسئله جهانی‌شدن را داریم که خود باعث شد تا فرهنگ به‌مثابه پیچکی در همه مسائل و موضوعات تاریخی و سیاسی ترکیب و آمیخته شد. زیربنای تحلیل مسائل را به فرهنگ واگذار کردند و دهه ۱۹۵۰ به بعد دهه تسلط فرهنگ بر سایر مسائل رخ داد که از آن به عنوان چرخش فرهنگی یاد کرده‌اند. رشته‌های جدیدی مثل روان‌شناسی هم به مدد تاریخ فرهنگی آمده و آنرا بارور کردند.

جایگاه امر اجتماعی در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق برای مطالعه دقیق تاریخ فرهنگی ضرورت دارد



سخنران بعدی این نشست فرانک جمشیدی، پژوهشگر مطالعات جنگ در حوزه هنری بود که با موضوع «جایگاه امر اجتماعی در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق» سخنان خود را ارائه کرد. جمشیدی گفت: به نظر من، ظهور و بروز تاریخ فرهنگی بیانگر یک رخداد فرهنگی است؛ رخدادی که در عرصه تبیین‌های نظری با بازشدن پای سنت‌های ساختارگرا و پساساختارگرا به وقوع پیوست و به موجب آن، ارتباط به مهمترین مسئله فرهنگ تبدیل شد و از آن پس، تقریباً جملگی تحلیل‌های فرهنگی معطوف شدند به اینکه روشن کنند انسان‌ها در جماعت‌های فرهنگی متفاوت و متعدد، از چه الگوهای نظام‌مند و با کدام رمزگان‌های فرهنگی درباره پدیده‌ها می‌اندیشند یا درباه‌شان سخن می‌گویند و این الگوها چگونه حدود تفکر و اندیشه و خودفهمی آنها را تعیین می‌کنند. بنابراین، ناگفته پیداست که مقوله‌ای به نام «ارتباط» نقش محوری پیدا کند و به ضرورتی انکارناپذیر بدل شود، چندان که مورخان هم تمایل پیدا کنند تجربه‌هاشان و روش‌ها و نظریه‌های حوزه تاریخ را با علوم دیگر تلفیق کنند تا بتوانند با اصحاب سایر علوم گفت‌وگو کنند.

بدیهی‌ست حاصل این گفت‌وگو و درهم‌آمیزی، تاریخ‌نگاری را از حالت سنتی‌اش (که تاریخ خطی و مستمر درباره مواضع عینی یک واقعه است) جدا و به شکلی از تاریخ‌نگاری نزدیک کند که در آن، مسئله اصلی تاریخ‌نگار این است که واقعه چگونه به امر اجتماعی در میان جماعت‌های فرهنگی تبدیل شده و دارای چه نوع بازنمایی‌های فکری است.

منطقاً حاصل کار تاریخ‌نگاری که به‌دنبال پاسخ چنین پرسشی می‌رود، یک پژوهش تاریخی است، نه تاریخ به معنای سنتی‌اش، به این دلیل که آنچه برای یک تاریخ‌نگار فرهنگی موضوعیت دارد، بازنمایی‌های فکری واقعه یا تجلی واقعه در فرهنگ زیسته مردم است (و این همان بزنگاهی است که پای فرهنگ عامه را به تاریخ فرهنگی باز می‌کند و فراتر از این، جایگاه آن را بسیار پررنگ می‌نماید). این جایگاه پررنگ یا برجسته ناشی از پرسش عمیق تاریخ‌نگار فرهنگی است؛ مبنی بر اینکه واقعه پس از وقوع چگونه در کالبد مفاهیم و نشانه‌ها و ایده‌ها و نمادها (که هر کدام به بخشی از قلمرو زندگی اجتماعی همبسته و مرتبط‌اند) به حیات خود ادامه می‌دهد و این تداوم، امکان خلق چگونه جهانی از واقعه را فراهم می‌آورد و کنش‌گران احتمالاً آن جهان را چگونه فهم می‌کنند.

پس میدان یافتن امکان‌ها (به جای قطعیت‌ها) در تاریخ فرهنگی و افق‌های جدیدی که در پی فکرکردن و نگاشتن درباره امکان‌ها، فراروی مطالعات بینارشته‌ای باز می‌شود، محصول نهایی را از سطح متعارفی که از تاریخ‌نگاری انتظار می‌رود؛ یعنی شرح اینکه واقعه یا حادثه یا رویداد چه بوده و چگونه به وقوع پیوسته و چرا، فراتر می‌برد. جمشیدی ادامه داد: پس از این مقدمه، می‌روم سراغ طرح این پرسش که چرا در سال ۱۳۹۰ پیشنهاد تهیه و تدوین مجموعه مقالات یا برگزاری نشست‌های گفت‌وگویی در خصوص ضرورت‌های اعتنا و اقبال به رویکرد تاریخ فرهنگی به جنگ ایران و عراق و دستاوردهای احتمالی این رویکرد را به دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری دادم.

به نظر من، ما نیازمند تأملی درباره واقعه جنگ هشت‌ساله هستیم که متکی بر مسئله یا مسئله‌ها باشد؛ یعنی تأملی که بتواند گفتمان تاریخ این واقعه را به امری پرابلماتیک یا مسئله‌مندشده تبدیل کند. چرا؟ چون امر پرابلماتیک، ما را وامی‌دارد که به هنگام صحبت کردن درباره این واقعه یا اندیشیدن به آن، تابع یک صورت‌بندی نظری باشیم. به این منظور، چه آن موقع که کتاب دیدگاه را کار می‌کردم، چه این زمان، از خودم می‌پرسیدم و می‌پرسم که اکنون مسئله تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله چیست و دانش تاریخ‌نگاری جنگ، پشت پرداختن به تاریخ این واقعه، می‌خواهد به کدام مسئله پاسخ دهد؟

برای صورت‌بندی نظری از گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ در ایران امروز بدیهی است که باید فلش پرسش را روی امر اجتماعی بگذاریم و پرسیم امر اجتماعی یا اجتماعات فرهنگی در فضای امروز ایران چه جایگاهی در تاریخ‌نگاری واقعه جنگ هشت‌ساله دارد؟ پاسخی که برای این پرسش دارم، ناظر بر گزاره‌ای نظری است که نه فقط من، بلکه بسیاری بر آن اجماع دارند، مبنی بر حاشیه‌مائی یا به حاشیه رانده‌شدگی امر اجتماعی و فرهنگی در گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ در ایران امروز در نتیجه چیرگی امر سیاسی در این گفتمان، و اما آنچه به گزاره نظری فوق می‌افزایم این است که فراخوان عمومی به نفع مشارکت طیف‌های متفاوت جامعه در امر خاطره‌گویی/نویسی از واقعه جنگ هشت‌ساله (که به پیدایی و رشد اشکال تازه‌ای از تولید گفتارهای تاریخی درباره جنگ منجر شده) حداقل در بادی امر، وانمودن آن است که امر اجتماعی به تدریج جایگاهی شایسته در گفتمان تاریخ این واقعه پیدا می‌کند اما اینکه آیا انبوهی و انباشتگی خیره‌کننده این خاطرات، به‌عنوان پاره‌گفتارهای گفتمان اجتماعی و فرهنگی تاریخ جنگ را می‌توان به معنای چیرگی امر اجتماعی بر امر سیاسی تلقی کرد و آیا این رشد بی‌وقفه تولید خاطرات، سرانجام منجر خواهد شد به اینکه امر اجتماعی جایگاه روشنی در گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ به دست آورد، اگر نگویم دور یا بعید به نظر می‌رسد، راه دشواری در پیش خواهد داشت. حتی قضاوت در باب اینکه آیا آن انبوهی خاطرات مربوط به این واقعه را می‌توان به پای رسمیت‌یافتگی تاریخ فرهنگی جنگ هشت‌ساله (در مقابل تاریخ‌نگاری رسمی این واقعه) گذاشت یا، دست‌کم، چنین انگاشت که گفتمان تاریخ فرهنگی به تدریج در حال ظهور و بروز است، قضاوتی دشوار است.

استدلال درباره اینکه چرا ادعا می‌کنم دست‌یابی امر اجتماعی به جایگاهی موردقبول در گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله، راهی دشوار در پیش‌رو دارد، متکی به قبول مرحله به مرحله گزاره‌های زیر است:

- اگر بپذیریم تاریخ‌نگاری جنگ یک گفتمان است، به حَسَسب اینکه شیوه‌ای از سخن گفتن درباره جنگ و بازنمایی جهان جنگ است که در عین بازنمایی، آن را برمی‌سازد،

- اگر بپذیریم این گفتمان مانند هر گفتمان دیگری به‌ناگزیر با قدرت و اخلاق و ایدئولوژی به‌شدت درهم‌آمیخته و درهم‌تنیده است، پس می‌توانیم نتیجه بگیریم که: اول، گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ یک بازنمایی واقع‌گرا از واقعیت آنچه رخ داده و گذشته است، نیست بلکه این گفتمان هم مانند هر گفتمان دیگر، دانشی است که معطوف به هدف/اهدافی روشن است.

دوم، وقتی ما نگاه مسئله‌مندانه به دانش تاریخ‌نگاری جنگ در ایران داشته باشیم، می‌توانیم این پرسش جدی را طرح کنیم که دال مرکزی این دانش در هر برهه چیست؛ یعنی آن امر سامان‌دهنده و معنابخش به تمامیت گفتمان تاریخ‌نگاری جنگ چیست؟

ایده نظری من این است که امر سیاسی، دال مرکزی تاریخ‌نگاری جنگ در ایران، از ابتدای نگارش تاریخ این واقعه تاکنون بوده است. آنچه ادعای استیلای امر سیاسی در تاریخ‌نگاری جنگ را اثبات می‌کند، یک احصای دقیق از حاشیه‌شده‌ها یا به حاشیه رانده‌شده‌ها و نقاط سکوت در آثاری است که به‌نوعی معرف تاریخ‌نگاری جنگ در ایران‌اند. باید از خود پرسیم صدای کدام اقلیت‌های مذهبی و دینی، کدام جناح‌های فکری، کدام گرایش‌های سیاسی در تاریخ‌نگاری یادشده خاموش است و کدام قسمت از قسمت‌های متعدد تاریخ این واقعه درباره‌اش همچنان سخنی گفته نمی‌شود و جزو نقاط ممنوعه است.

سؤال مهمتر اینکه آنچه در این تاریخ‌سدادار شده، مجبور به قبول یا پذیرش چه قالب‌هایی، مأمور ترویج کدام الگوها، مشروط و منوط به کدام شروط برای صداآرشدن بوده است؟ به نظر من، آنچه امر سیاسی در قالب تاریخ‌نگاری جنگ هشت‌ساله و نیز در قالب خاطرات (به‌مثابه گفتارهای تاریخی درباره جنگ یا پاره‌گفتارهای گفتمان اجتماعی و فرهنگی تاریخ جنگ)، سوژه‌های صداآرشدن را به آن مجبور یا مأمور یا مشروط و منوط کرده و می‌کند، تبعیت از پروژه اسلامی‌سازی واقعه جنگ است. با این ملاحظه، سوژه‌هایی که امر سیاسی به آنها در قالب فراخوانی گسترده برای خاطره‌گویی/نویسی از واقعه جنگ صدا بخشیده، به نوعی مأمور بازخوانی این واقعه می‌شوند، منتها مشروط و منوط به اینکه از چارچوب گفتمان اسلامی‌سازی واقعه فراتر نروند و این‌گونه است که مفهومی به نام «جهادگر مسلمان»، به‌عنوان سوژه‌ای فراجنسیتی (فراملیتی) فرامرزی از دل پاره‌گفتارهای گفتمان اجتماعی و فرهنگی تاریخ جنگ بیرون می‌آید؛ مفهومی که خاطرات بیش از همه مسئول بازتولید مکرر آن‌اند.

این پژوهشگر مطالعات جنگ افزود: شاید در نگاهی خوش‌بینانه بتوان افزایش تعداد سوژه‌هایی که از تاریخ واقعه جنگ هشت‌ساله سخن می‌گویند، دلیلی دانست بر اینکه بررسی امر اجتماعی در دستورکار تاریخی به نام «تاریخ فرهنگی جنگ» قرار گرفته است.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده تاریخ، گروه تاریخ فکری و فرهنگی برگزار می‌کند:

آشنایی با مسائل و موضوعات تاریخ فرهنگی

سخنرانان:
دکتر علی رجب‌لو
دکتر محمدمیر احمدزاده
فرانک جمشیدی

چهارشنبه ۱۶ شهریور ۱۴۰۱ ساعت: ۱۲ تا ۱۰

لینک ورود به نشست:
<https://webinar.ihcs.ac.ir/b/ihc-rue-eqr-yno>

شاید بتوان فزونی گرفتن طرح‌هایی که به مطالعه در باب امور جزئی و خرد و سوژه‌های فرودست در تاریخ این واقعه می‌پردازند و به روایت‌هایی معطوف می‌شوند که تا حداقل یک‌دهه پیش بی‌اهمیت تلقی می‌شدند، ولی اکنون به‌عنوان دانش‌هایی واجد ارزش تحلیلی و تاریخی در نظر می‌آیند، چنین انگاشت که تاریخ فرهنگی این واقعه در حال پاگیری و قوت‌گیری است.

شاید کاربرد اصطلاحاتی چون «تاریخ انسانی جنگ» (که برخی از متولیان ادبیات جنگ، خاطرات را زمینه‌ساز نگارش این نوع تاریخ واقعه می‌دانند) موجب تقویت این فرضیه شود که امروز بررسی بازنمودهای فکری واقعه جنگ در میان اجتماعات فرهنگی، جایگاهی شایسته در گفتمان تاریخ ایران پیدا کرده و محل اقبال و اعتناست.

اینکه چرا مدام قید «شاید» را به کار می‌برم، به این دلیل است که مراکز متولی تاریخ‌نگاری جنگ، هنوز چندان علاقه و اشتیاقی به تقویت بن‌مایه‌های نظری و روشی تاریخ فرهنگی نشان نمی‌دهند و بنابراین، بحث‌های نظری در این خصوص بسیار کم‌جان و رمق است (نمی‌خواهم بگویم مهجور و کم‌اقبال). پس طبعاً آثاری چون کتاب دیدگاه نیز دیده نمی‌شوند؛ یعنی میدان برای به‌دیدآمدن پیدا نمی‌کنند. با این توضیح، آنچه در عمل مشاهده کنیم، مبنی بر انجام و اجرای پروژه‌هایی که از آنها بویی از اعتنا به تاریخ فرهنگی جنگ به مشام می‌رسد یا در دستورکار قرار گرفتن اقداماتی که نشانه‌های امیدوارکننده‌ای از قد علم کردن تاریخ فرهنگی در مقابل تاریخ‌نگاری رسمی جنگ را نوید می‌دهند، بیشتر اقداماتی فردی، خودجوش و خودانگیخته و ذوقی، و ناپایدار و کم‌دامنه و ضعیف به‌لحاظ رعایت اصول و مبانی نظری و روشی‌اند تا اقداماتی سازمانی و برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند و بلندمدت و قوی از حیث پشتوانه‌های علمی قدرتمند و به‌روز.

بنا به استدلال فوق، انتشار آثاری چون کتاب «دیدگاه» در زمره آثار اعتبارانگیز در حوزه آثار ادبی و تاریخی جنگ قرار نمی‌گیرد و احدی از متولیان و پایکاران و مسئولان این حوزه، از پتانسیل‌های روش‌شناختی این رویکرد به نفع تقویت مطالعات تاریخی و ادبی و میان‌رشته‌ای جنگ پریشی نمی‌کند و این بی‌اعتنایی، به نظر من، مؤثرترین حربه برای بیرون‌گذاری کسی یا ایده‌ای متفاوت از متن گفتمان رسمی و غالب و به حاشیه‌رانی اوست.

جمشیدی افزود: با وجود آنکه ظاهراً مقرر است روایت‌ها درباره تاریخ واقعه جنگ هشت‌ساله از دستورالعمل تاریخ جنگ دفاع مقدسی تخطی نکنند، نشانه‌هایی از تعامل امر اجتماعی و امر سیاسی در تاریخ‌نگاری جنگ می‌توان یافت که گراف نیست اگر از آن، به «قد برافراشتن تدریجی تاریخ فرهنگی در مقابل تاریخ‌نگاری رسمی این واقعه» یاد کنیم. گرچه تا رسمیت‌یافتگی «آن یک» در مقابل «این یک»، راه درازی باید پیموده شود. برخی از آن نشانه‌ها عبارت‌اند از:

- بازگشت به روش‌های محلی و به‌کارگیری محققان بومی برای تولید گفتارهای تاریخی جنگ؛ روش‌هایی که فوکو از آنها به «دانش‌های سلب صلاحیت‌شده» یاد می‌کند به معنای دانش‌هایی که چون دانش مسلط آنها را نادیده می‌گیرد، نمی‌توانند مشروعیتی کسب کنند و از این‌رو، کمتر شرح و بسط می‌یابند.

- توسعه حیطه‌های موضوعی پژوهش در حوزه گفتمان تاریخ جنگ که خواه‌ناخواه امکان توسعه ابعاد دانش در این حوزه را نیز فراهم می‌آورد و اجازه می‌دهد حوزه‌های کمتر شناخته‌شده به دید بیابند و در دستورکار تحقیقات قرار گیرند و ...

به‌یقین احصای دقیق دلایلی که موجب طرح رویکرد تاریخ فرهنگی به جنگ در برخی مراکز و نهادهای علمی و پژوهشی و، در نتیجه، شکل‌گیری و قوت‌گیری سنت تاریخ فرهنگی جنگ شده، نیازمند مطالعات بیشتر و تحلیل‌های عمیق‌تر است، اما می‌توان برخی دلایل را به‌اجمال و در قالب گزاره‌هایی قابل رد یا تأیید به شرح ذیل به اشتراک گذاشت:

- رنگ‌باختگی تقریبی شعار نگارش تاریخ جامع جنگ؛ تاریخی که مقرر بوده و هست ابدی و تغییرناپذیر باشد. این شعار که روزگاری برخاسته از دغدغه تحریف تاریخی جنگ بوده و نیز قائل‌بودن به اینکه فقط یک روایت اصیل و معتبر از جنگ وجود دارد، امروز شاهد آن‌ایم که به‌تدریج جای خود را به تاریخ بازنمودهای فکری واقعه در ذهن و زبان و ضمیر اجتماعات فرهنگی می‌دهد.

- آشکارشدن محدودیت‌هایی که به‌لحاظ ساختاری فراروی تحقق تام و تمام آرمان‌های انقلاب و جنگ قرار داشته و دارد و این آشکارشدگی، رنگ‌باختگی برخی از مهمترین آن آرمان‌ها، فروریختن پاره‌ای از نظم‌ها و قدرت‌های اسطوره‌ای و اسطوره‌های نظم و قدرت، و ترک‌خوردن بخش چشم‌گیری از آنچه را که به‌عنوان «روایت‌های اصیل جنگ» شناخته می‌شد، در پی داشته است.

... و مهمتر از دو دلیل فوق، ظهور و بروز آهسته اما پیوسته نوعی چرخش فکری در ذهنیت ایرانیان که به موجب آن، منطق دگرگونی اجتماعی جای‌گزین ثبات اجتماعی شده و در ساختار فهم تاریخی ما از وقایع بزرگی چون جنگ تغییرات اساسی پدید آورده است.

کاربست تئوری در تاریخ فرهنگی



در ادامه دکتر احمدزاده به بحث و بررسی مسائلی با موضوع کاربرد تئوری در تاریخ فرهنگی پرداخت. وی گفت: تاریخ فرهنگی نظریه‌محور است و این اتفاق زمانی رخ داد که در اواخر قرن نوزدهم در فهم نظری فرهنگ، تحولی رخ داد. او با ذکر اینکه یکی از تفاوت‌های تاریخ فرهنگی با تاریخ فرهنگ نیز همین است، گفت: در تاریخ فرهنگ کمتر از نظریه برای مفاهیم و پدیده‌ها استفاده می‌شود.

دکتر احمدزاده افزود: به سه شکل می‌توان از نظریه در تاریخ فرهنگی بهره گرفت: نخست، از مفاهیم و معانی آنان در تحلیل تاریخ فرهنگی استفاده کرد. دوم، از مدل‌ها و روش‌های مطرح در نظریه برای کاربرد تاریخ فرهنگی بهره‌مند شد. سوم، از نظریه به تمام و کمال برای تفسیر و معناکاوای نقش تحولات فرهنگی در خلق رخدادهای تاریخی بهره برد.

احمدزاده در خاتمه سخنانش گفت: عده کمی از مورخان نظریه را در مفهوم دقیق آن به کار می‌برند، اما اغلب آنان از مدل‌ها و مفاهیم یک نظریه استفاده می‌کنند.



دکتر پاکتچی در نشست «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها» مطرح کرد:

علم بدون بنیاد فلسفی، ساختن بنا بر روی آب است

نخستین نشست علمی از سلسله جلسات «بازشناسی وضعیت علوم انسانی در ایران» شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، ۶ شهریورماه ۱۴۰۱ برگزار شد که در این نشست دکتر احمد پاکتچی، عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سفیر ایران در سازمان یونسکو، در حضور اعضای شورای دبیران علمی به ایراد سخنرانی پرداخت.

دکتر پاکتچی، سخنرانی خود را با عنوان «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها: منظر جهانی به مسئله» ارائه



کرد. چنانچه از عنوان آن پیداست، پرسش اصلی در جلسات ناظر به چیستی مسائل جهانی درباره علوم انسانی از یکسو و شناسایی راهکارهای پیش‌رو در گستره بین‌المللی است.

دکتر پاکتچی در یادآوری مهمترین کلان‌مسائل علوم انسانی که در ابتدای سخنرانی اول خود ارائه داد، نخست به این نکته پرداخت که علوم انسانی در ایران به صورت بیشینه‌ای نیازمند به‌روزشدن دارد تا بتواند مقتضیات عصر حاضر را برآورده کند و از سوی دیگر نیز علوم انسانی باید بتواند تعاملی سازنده با علوم اسلامی داشته باشد. وی با اشاره به خطیر بودن برقراری پیوند میان علوم انسانی و علوم اسلامی با انتقاد از برخی فعالیت‌های کم‌مایه در این زمینه، آنها را به خاطر نادیده انگاشتن بنیادها و رویکردهای کلان حاکم بر علوم انسانی، مورد انتقاد قرار داد. وی در ادامه به بنیادهای فلسفی جریان‌ها و طرز فکرهای غالب در علوم انسانی پرداخت. لیبرالیسم، اومانیسم، سکولاریسم، مارکسیسم، پراگماتیسم، رئالیسم، ایدئالیسم، اگزیستانسیالیسم، پدیدارشناسی پرداخت که پسامدرنیسم از جمله بنیادهای فلسفی (ایسم‌های فلسفی) بود که بیشتر مورد توجه قرار گرفت. همچنین ساختارگرایی، رفتارگرایی، برساخت‌گرایی اجتماعی، تئوری گشتالت، تاریخی‌گرایی و نظریه تکامل نیز از جمله جریان‌ها و طرز فکرهای غالب در علوم انسانی بود که توسط استاد مورد بحث قرار گرفت.

دکتر پاکتچی پس از تشریح بنیادهای فلسفی به این نکته پرداخت که علوم باید بنیاد فلسفی داشته باشند و علم بدون بنیاد فلسفی، ساختن بنا بر روی آب است. وی توضیح داد: آنچه قابل انتقاد است، تکیه کردن بر محصول، بدون توجه داشتن به بنیادهای فلسفی نظریه‌ها و دستاوردهاست.

وی هم «آموزش و کاربست نظریه‌ها و دستاوردهای علوم انسانی بدون اعتنا به مبانی فلسفی آن» و هم «معرفی ناقص یا گزینشی از مبانی فلسفی در آموزش علوم انسانی» را مورد انتقاد قرار داد. این استاد دانشگاه در ادامه سخنرانی خود به نقد برخی از بنیادهای فلسفی همانند نگرش‌های مارکسیستی، تجربه‌گرایی و توسعه‌روش‌های تجربه‌گرا به حوزه علوم انسانی نیز پرداخت.

دکتر پاکتچی در بخش دوم سخنرانی خود، «غرب‌گرایی در علم» را مورد توجه قرار داد و ضمن یادآوری روندها و دوره‌های یونان-رُم، اروپای قرون وسطی، رنسانس، فرماسیون و روشنگری، اکتفاکردن به این صورت‌بندی و بی‌توجهی به کانون‌های تمدن و علم بیرون از تمدن غربی همانند تمدن‌های چین، هند، روسیه، جهان عرب و ترکیه، ژاپن، آمریکای جنوبی را مورد انتقاد قرار داد.

وی در ادامه به نقد «انگلیسی محوری» در علم به‌ویژه وضعیت علوم انسانی در ایران و کم‌توجهی به متون و دانش‌های تولید شده به زبان‌های اروپایی غیر انگلیسی به تفصیل پرداخت. دکتر پاکتچی انگلیسی محوری در علم را به معنای مهجوریت آثار به دیگر زبان‌های شناخته‌شده مانند فرانسوی، آلمانی، روسی و ... در حوزه‌های علوم مختلفی مانند زبان‌شناسی، علم فرهنگ، نشانه‌شناسی، حوزه عدالت و ... دانست. فراتر از آن نیز با توسعه گفتمان انگلیسی محوری به مهجوریت آثار به دیگر زبان‌های نامشهور غربی در فضای علوم انسانی همچون زبان‌های ایتالیایی، دانمارکی، اسپانیولی، پرتغالی، چک و اسلواکی، لهستانی، مجارستانی و ... در علوم و حوزه‌هایی مانند زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، فلسفه، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، نظریه‌های هنر، علم و فناوری، اقتصاد سیاسی، قوم‌شناسی، فرهنگ، ترجمه بین‌رشته‌ای، زیبایی‌شناسی، نظریه‌های ادبی و ... اشاره کرد. وی برای تک‌تک علوم و حوزه‌های علمی یادشده با ملاحظه تنوع زبانی اشاره شده به یادکرد برخی نمونه‌ها پرداخت.

به‌عنوان نمونه در حوزه زبان‌شناسی و تأثیر حاکمیت گفتمان انگلیسی محوری و مهجوریت دیگر آثار علمی نگاشته‌شده به زبان‌های غیر انگلیسی گفت: انگلیسی محوری موجب شد که محوریت «چامسکی» در زبان‌شناسی سال‌های اخیر بیشتر شود و زبان‌شناسانی امثال هومبولت، وایسگربر و تریر ناشناخته باقی بمانند. وی به عدم توجه به زبان‌شناسی اجتماعی نیکلای مار (Nikolai Marr)، عدم توجه به بندشناسی (جمله‌شناسی) روسی (Phraseology)، عدم توجه به تبار روسی نشانه‌شناسی (گوستاو اشپت و آندری بلی، اکتفا به سوسور و پیرس)، ناشناختگی آثار زبان‌شناسان چک با وجود اهمیت مکتب پراگ و در کل، مهجوریت آثار به زبان‌های نامشهور غربی اشاره کرد. پاکتچی در جمع‌بندی سخنانش با اشاره به مغفول ماندن تولیدات دانشی ارزشمند و بی‌بدیل در زبان‌هایی چون روسی، اسپانیولی و پرتغالی، حوزه مربوط به اسکاندیناوی، حوزه اروپای شرقی، اروپای مرکزی و حتی زبان‌های مادری مثل آلمانی و فرانسوی در علوم انسانی ایران، آن را مایه نقصان آن دانست، چیزی که امکان تعامل و پیوند علمی واقعی میان سنت فکری ما و بسیاری از نظریات جهانی علوم انسانی را پیشاپیش سلب کرده است. وی از سوی دیگر اکتفا کردن به زبان انگلیسی نزد محققان علوم انسانی در ایران و فقدان آگاهی از دیگر زبان‌های علمی را یکی از نقیصه‌های مهم وضعیت ما در علوم انسانی دانست، به‌نحوی که دسترسی ما به منابع علمی جهانی را غالباً از دریچه متون و کتب انگلیسی زبان قرار داده و تأکید مقام معظم رهبری بر توسعه و تکثر آموزش زبانی را در این زمینه بسیار مهم قلمداد کرد. دکتر پاکتچی ارائه‌اش را با این نکته که انگلیسی محوری در علم موجب شده، جهان علم شاهد شرایط بسیار نامساعد درباره آثار دانشمندان غیر غربی باشد، به پایان برد.



The screenshot shows the website interface. At the top, there is a header with the logo and name of the council: "شورای بررسی و تمییز کتب و متون انسانی" and "The Iranian Council for Reviewing Books and Text on Human Sciences". Below the header is a navigation menu with items like "صفحه اصلی", "گروه‌های تخصصی", "جستجو در پایگاه", "پایگاه‌های مرتبط", "عضویت", "درباره ما", "تماس با ما", "ورود", and "کارگاهها". The main content area features a section titled "خبرنامه های شورای بررسی متون" (Newspapers of the Council for Reviewing Texts). Under this section, there are three columns representing different issues: "خبرنامه شماره 1", "خبرنامه شماره 2", and "خبرنامه شماره 3". Each column contains a thumbnail image of the newspaper cover and a brief description. On the right side of the page, there is a sidebar with a list of links: "درباره شورا", "عملکرد شورا", "مجموعه کتب معرفی شورا", "فعالیت‌های علمی اعضای شورا", "کارگاه‌های تخصصی", "آرشیو انتشارات شورا", "آرشیو اخبار و گزارش‌ها", "مجموعه اسناد علوم انسانی", "پیشنهاد بررسی و نقد کتاب", and "سامانه نقد نقد".



دکتر پاکتچی مطرح کرد:

بایسته‌های استقلال و تعاملات زبانی در حوزه تولید علم

دومین جلسه از سلسله جلسات «بازشناسی وضعیت علوم انسانی در ایران» شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳ شهریورماه در پژوهشگاه برگزار شد.

دکتر پاکتچی در این نشست به ارائه بخش دوم مطالب خود با عنوان «علوم انسانی در ایران: چالش‌ها و راهکارها: منظر جهانی به مسئله» پرداخت و سه‌گانه: فرهنگ، تاریخ و زبان را به عنوان مثلث اساسی‌ای که پروژه شخصی‌اش در الهیات و زبان‌شناسی را راهبری می‌کنند، مورد توجه قرار داد و با بیان اینکه ما در فلسفه متوجه زبان‌مندی و تاریخ‌مندی تفکر هستیم و آن را به عنوان امری پذیرفته شده مورد توجه قرار می‌دهیم، اما عملاً در حوزه علوم انسانی، اندیشه‌ها و نظریات را فارغ از توجه به زبانی که در آن بالیده‌اند و تاریخی که در آن به‌بار آمده‌اند، بررسی می‌کنیم.

وی با بیان نمونه‌هایی از متفکرانی که به دو زبان قلم زده‌اند همچون رنه دکارت، گئورگ لوکاچ، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و ... تفاوت‌های اندیشه ایشان در دو زبان مختلف را یادآوری کرده و آن را به دلیل ظرفیت‌های زبانی و فرهنگی ملل مختلف برشمرد.

پاکتچی در ادامه با اشاره به وضعیت زبانی علوم انسانی در ایران، یکی از عوامل مهم فقر نظریه‌پردازی اصیل در علوم انسانی ایران را انگلیسی‌فکر کردن محققان علوم انسانی برشمرد و با تأکید بر لزوم توجه به غناء بخشیدن به زبان فارسی در حوزه تولید دانش اظهار داشت: ما به انگلیسی‌فکر می‌کنیم و فارسی می‌نویسیم و تا وقتی که این‌گونه تفکر می‌کنیم، تحت هژمونی و سلطه فکری باقی می‌مانیم.

دکتر پاکتچی در توضیح بیشتر این مسئله گفت: تفکر ما در زبان فارسی، انگلیسی‌محور شده است؛ به گونه‌ای که وقتی در فضای آکادمیک به «جامعه» و «اجتماع» می‌اندیشیم به صورت ناخودآگاه معادل انگلیسی آن society و community در ذهن ما متبادر می‌شود، این در حالی است که در زبان آلمانی، ابداع اجتماع و جامعه به گماین‌شافت و گزل‌شافت (Gesellschaft و Gemeinschaft) را داریم که توسط متفکران علوم اجتماعی و انسانی در زبان‌های غیرآلمانی نیز مورد درک و پذیرش قرار گرفته است.

وی با ذکر مصادیق غرب‌محوری و انگلیسی‌محوری در زبان و فرهنگ کشورهای مختلف و از جمله ایران، عنوان کرد: غرب‌محوری، مسئله چندین دهه‌ای ما است و انگلیسی‌محوری هم دو دهه است که به سطح مسئله برای ما رسیده است. وی از انگلیسی‌محوری به عنوان یک چالش جهانی نام برد و گفت: چالش‌های جهانی علوم انسانی می‌تواند پاسخ‌های مناسب‌تری را برای ما فراهم کند.

دکتر پاکتچی در پاسخ به سؤال دکتر بلیغ، دبیر گروه علوم اجتماعی شورای بررسی متون که چرا ساده‌سازی و سلب تاریخ، زبان و فرهنگ از مفاهیم در جهان آنگلو-آمریکن قدرت تولید می‌کند؟ گفت: زبان انگلیسی هم‌اکنون واسط زبانی میان فرهنگ‌های مختلف شده است و این ساده‌سازی ضرورت انتقال به دیگر فرهنگ‌ها است و هرگاه اندیشه‌ای به زبان دیگر ترجمه می‌شود، ناگزیر بخشی از ایده اصلی آن از قلم می‌افتد و به عبارتی انتقال کامل اندیشه در ترجمه به زبان انگلیسی صورت نمی‌گیرد و معنای متن دچار ریزش می‌شود.

دکتر پاکتچی با ذکر نمونه‌هایی به ضعف ترجمه انگلیسی کتب تراز اول حوزه علوم انسانی اشاره کرد و گفت: برای نمونه کتاب «ویکوتسکی» با عنوان «زبان و تفکر» که با همین نام به انگلیسی ترجمه شده و اغلب به همین منبع انگلیسی نیز استناد می‌شود، نسبت به متن اصلی دچار ایرادات جدی است. ترجمه انگلیسی این اثر ویکوتسکی بسیار به ایده و اندیشه مؤلف ضربه زده است و اگر به منبع اصلی مراجعه شود، مشاهده می‌کنیم که حتی در عنوان کتاب نیز این ایراد به وضوح به چشم می‌خورد و این نکته را تأیید می‌کند که چطور این گونه ترجمه‌ها، مفاهیم را از هم گسسته می‌کند.

این نشست علمی با پرسش و پاسخ اعضای حاضر در جلسه به خاتمه یافت.

روسیه و نظم بین‌المللی در پیامد جنگ اوکراین

دومین پیش‌نشست «همایش بین‌المللی نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» با عنوان «روسیه و نظم بین‌المللی در پیامد جنگ اوکراین»، ۱۳ شهریورماه ۱۴۰۱ با سخنرانی دکتر جهانگیر کرمی و دکتر محمود شوری برگزار شد.

در این نشست بعد از اعلام خیرمقدم دکتر محمدعلی فتح‌الهی (رئیس پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق) و بیان مقدمه‌ای از سوی مدیر نشست، دکتر علی‌اکبر اسدی (عضو هیأت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای)، دکتر جهانگیر کرمی (دانشیار گروه مطالعات روسیه در دانشگاه تهران) و دکتر محمود شوری (از صاحب‌نظران و کارشناسان ارشد حوزه روسیه و معاون پژوهشی مؤسسه ایراس) به ایراد سخنرانی پرداختند.

دکتر کرمی به‌عنوان سخنران اول نشست، ضمن تبیین اهداف و نگرش روسیه در خصوص جنگ اوکراین به ارائه تعریفی از نظام بین‌الملل و تشریح شرایط گذار آن در دوره قبل از جنگ پرداخت. بخش دیگر سخنان استاد دانشگاه تهران به تبیین اثرات و پیامدهای جنگ اوکراین برای نظام بین‌الملل مربوط بود که در آن به موارد مهمی اشاره شد که از جمله عبارت بودند از: رقابتی‌تر شدن جنگ قدرتهای بزرگ؛ نظامی‌تر شدن بازی‌های بین‌المللی؛ تکثر بحران‌ها در عرصه بین‌المللی؛ پساغربی شدن مسائل بین‌الملل؛ اجبار روسیه به شرقی شدن در عرصه بین‌المللی و ورود صریح‌تر چین به رقابت با غرب در عرصه جهانی.

دکتر کرمی در بخش پایانی صحبت‌های خود به تشریح جایگاه و رویکرد روسیه در شرایط جدید بین‌المللی پس از جنگ اوکراین پرداخت و گفت: روسیه در طول دو دهه آینده همچنان یکی از سه قدرت اصلی بین‌المللی باقی خواهد ماند و ضمن تأکید بر اصول و ستفالیایی نظم بین‌المللی، به تشکیل ائتلاف با قدرت‌های شرقی متمایل خواهد بود. همچنین مسکو ضمن حفظ هژمونی در محیط منطقه‌ای، خواستار تداوم موازنه در عرصه بین‌المللی است. با این حال نظر به ابهامات جدی در مورد آینده نظام بین‌الملل، ظرفیت‌ها و ضعف‌های روسیه در هر گونه نقش‌آفرینی این کشور در عرصه بین‌المللی نقشی مهم و اساسی خواهد داشت.

در بخش دیگری از نشست دکتر شوری به تبیین ارتباط و اثرات جنگ اوکراین برای نظم بین‌المللی پرداخت و به سه دیدگاه کلان در این خصوص اشاره کرد.



وی شرح داد: در دیدگاه نخست، جنگ اوکراین مانند بحران سال ۲۰۰۸ به عنوان بحرانی با اثرگذاری مقطعی تلقی می‌شود که بعد از سطحی از اعمال فشار غرب بر مسکو در نهایت به بازسازی روابط بین روسیه و غرب منجر خواهد شد. در دیدگاه دوم جنگ اوکراین به عنوان نقطه آغازی برای نظم جدید بین‌المللی تلقی شده که به معنی پایان نظم لیبرال غربی خواهد بود. در دیدگاه سوم که مورد تأکید معاون پژوهشی مؤسسه ایراس قرار داشت جنگ اوکراین به عنوان آغازی برای دوره‌ای آشوب‌ناک در نظم بین‌المللی است که به معنی تضعیف نظم لیبرال پیشین و فقدان نظم جدید است که عناصر و چالش‌های خاص خود را داشته و احتمالاً برای چندین دهه ادامه خواهد داشت.

به باور دکتر شوری در این راستا نوع ظرفیت‌ها و کنش‌های روسیه به عنوان یکی از عدم قطعیت‌های کلیدی در آینده نظم بین‌المللی است و از جمله فقدان توانمندی اقتصادی و مشکلات سیاسی و نظامی روسیه می‌تواند باعث سطحی از عقب‌گرد روسیه به لحاظ ژئوپلیتیکی و بین‌المللی شود. با این حال غرب نیز چالش‌های مهمی را پیش‌رو دارد که ناکارآمدی جنگ به عنوان یک ابزار و محدودیت‌های جدی ابزارهای تحریمی در این راستا قابل اشاره است.

بخش پایانی نشست نیز به ارائه پرسش‌ها و دیدگاه‌هایی از سوی حاضران در جلسه مربوط بود که با ارائه نکات تکمیلی و جمع‌بندی سخنرانان همراه بود.



تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و فرصت‌های پیش روی ایران

پیش‌نشست سوم همایش «نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران» با عنوان «تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و فرصت‌های پیش روی ایران» به همت پژوهشکده مطالعات سیاسی و بین‌الملل و حقوق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، با سخنرانی دکتر شعیب بهمن (مدرس روابط بین‌الملل، پژوهشگر مسائل اوراسیا و رئیس مؤسسه مطالعات جهان معاصر) در تاریخ ۲۹ شهریور برگزار شد.



دکتر بهمن در آغاز سخنانش گفت: تحریم‌ها را می‌توان اهرم اعمال قدرت دانست که در عین حال کارویژه ایجاد اختلال در روابط کشورها را نیز داراست. تحریم اقتصادی را در مطالعات بین‌الملل یک گام پایین‌تر از جنگ می‌دانند. در واقع تحریم اقتصادی در سطحی پایین‌تر با ایجاد بازدارندگی مانع از بروز جنگ می‌شود. تحریم ابزاری کارآمد در حوزه سیاست خارجی ایالات متحده است؛ از این ابزار برای محدود ساختن کشورهایی که در برابر منافع ایالات متحده بوده‌اند بهره‌برداری شده است. پرسش اینجاست که آیا تحریم‌ها کارآمدند و اهداف تغییر سیاست کلان و رویکردهای کلان سیاست کشورهای تحریم شده را فراهم کرده‌اند؟

وی ادامه داد: درباره روسیه رخدادی نو دیده می‌شود. در واقع این کشور پس از حمله به اوکراین با افزایش میزان تحریم‌ها روبه‌رو شد.

هدف از تحریم روسیه از این قرار بود:

- ۱- تأثیر بر نخبگان سیاسی
 - ۲- تأثیر بر صنعت و اقتصاد
 - ۳- دور ساختن روسیه از دستیابی به فناوری‌های نوین
 - ۴- کاهش ارزش روبل
 - ۵- ایجاد بحران در نقدینگی
 - ۶- قطع ارتباط روسیه با غرب و منزوی کردن این کشور
 - ۷- تحریک خشم عمومی در میان مردم و نخبگان و اپوزیسیون
- از سوی دیگر روسیه دو اهرم مهم و اساسی انرژی و تأمین مواد غذایی را به مثابه اهرم‌هایی مؤثر در دست دارد. تأمین گاز کشورهای اروپایی اهرم فشار مهمی در دست روسیه است و همچنین در حوزه تأمین غلات و امنیت جهانی غذا روسیه یکی از مهم‌ترین بازیگران است.
- در ارتباط با اثرگذاری تحریم‌ها باید گفت، تحریم یک قله اثرگذاری دارد و اکنون روسیه این قله تأثیرگذاری را از سر گذرانده است و در سراسری تحریم قرار دارد.

دکتر بهمن تأکید کرد: روسیه سومین واردکننده بزرگ از کشورهای اروپایی و پنجمین صادرکننده بزرگ به این کشورها است. چین و روسیه با حجم بالایی از تبادلات تجاری این قابلیت را دارند. این حجم از تبادلات امکان این را دارد که به خروج روسیه از انزوای یاری رسانند. از دیگر سوی در فضای جنگ و بحران هزینه بر دو طرف نبرد تحمیل می‌شود و روسیه و ناتو هر دو هزینه جنگ را بر دوش می‌کشند. هم از این روی می‌توان انتظار داشت

که رویکرد ناتو به سوی کاهش افزایش صعودی تحریم‌ها تغییر یابد. در عین حال روسیه می‌تواند شریک‌های تجاری جایگزین برای خود دست و پا کند و به سوی شریک‌هایی مانند چین، هند و ایران دست دراز کند و بخش‌هایی را که تحت تأثیر تحریم قرار گرفته‌اند را ترمیم کند و نیز اتحادیه اقتصادی اوراسیا راهی برای دور زدن تحریم‌ها از سوی روسیه است. در پاسخ به پرسش نخست باید گفت، در واقع روسیه تحت تأثیر تحریم‌ها حاضر به تغییر سیاست‌های کلان خود نشده است.

پرسش دیگر نشست این بود که چه فرصت‌هایی پیش‌روی ایران گشوده شده است؟
فرصت‌های پیش‌روی ایران را می‌توان به این شکل دسته‌بندی کرد:

- ۱- فرصت‌های سیاسی و امنیتی: دور شدن توجه‌ها از ایران به عنوان بازیگری نظم‌گریز به سوی روسیه فرصت تنفس و نیز بازسازی پرستیژ را برای ایران ایجاد نموده است.
 - ۲- فرصت‌های اقتصادی دربردارنده دسته‌ای از فرصت‌های متنوع است:
 - علاقمندی بانک‌های روسی به همکاری با ایران
 - جذب بخشی از سرمایه‌های الیگارشی‌های روس در اروپا که ناگزیر بودند به سرعت دارایی‌های خود را از اروپا خارج سازند.
 - حمل و نقل کریدور شمال-جنوب به خط آهن تکمیل نشده شمال-جنوب اشاره دارد که در کنار ترانزیت جاده‌ای و دریایی می‌تواند بسیار کارآمد باشد.
 - تأمین امنیت غذای جهانی، در این باره روسیه اعلام کرده است که غلات را جز به کشورهای دوست نخواهد فروخت.
 - حوزه انرژی و جذب فرصت ایجاد نیروگاه‌های برق آبی در سواحل خلیج فارس و راه اندازی سوآپ گاز فرصت‌های بزرگی برای ایرانند.
 - گسترش گردشگری و ایجاد ارتباط مردمی بیشتر با روسیه نیز فرصتی درخور توجه است.
 - همکاری با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و عضویت دائم ایران در این اتحادیه.
 - شکل دادن به گروه بریکس پلاس و پیش‌روی به سوی ایجاد نهادهای جهانی موازی.
- در بخش پایانی نشست، جلسه پرسش و پاسخ برگزار شد.



دکتر محمد شعیب بهمن
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده مطالعات سیاسی، روابط بین‌الملل و حقوق برگزار می‌کند

سومین پیش نشست همایش

«نظم جدید بین‌الملل، بحران اوکراین و جایگاه جمهوری اسلامی ایران»

تحریم‌های اقتصادی علیه روسیه و فرصت‌های پیش‌روی ایران



دکتر شعیب بهمن
(مدرس روابط بین‌الملل، پژوهشگر مسائل اوراسیا و رئیس مؤسسه مطالعات جهان معاصر)

مدیر جلسه: **دکتر طیبه محمدی کیا**

سه‌شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ ساعت: ۱۷ تا ۱۵

به صورت حضوری و مجازی

حضوری: بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آینه‌وند (۶۴ غربی)،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سالن ادب
لینک ورود مجازی به نشست: <https://b2n.ir/j00160>

فرهنگ صلح در آئینه دین مبین اسلام

نشست «فرهنگ صلح در آئینه دین مبین اسلام» با سخنرانی دکتر مهدی کریمی (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) و دکتر محمد منصورنژاد (عضو کمیته دین پژوهی انجمن مطالعات صلح)، ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۱، برگزار شد. در ابتدای این نشست، دکتر کریمی پس از تبریک روز جهانی صلح، به تبیین واژه اسلام پرداخت و گفت: نام اسلام از «سلام» (صلح) گرفته شده که در شمار نام‌های خداوند متعال است (سوره حشر/۲۳). اسلام، صلح و آرامش را یکی از اصول پایه‌ای خود در نظر گرفته و ریشه‌های آن را در دل مسلمانان استحکام بخشیده و آن را بخشی از وجود آنها قرار داده است.



وی افزود: در اسلام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز مسئله‌ای اصیل و ریشه‌دار است. این رهیافت، پیوندی ناگسستنی با طبیعت اسلام و نظریه عمومی و کلی آن درباره جهان و زندگی انسان دارد. آموزه توحید، قرار داشتن همه هستی در گردونه تدبیر واحد و حکیمانه الهی، پیوند نسلی همه آدمیان به یک پدر و مادر و اشتراک خانوادگی همه انسان‌ها، حرکت جهان و انسان به سوی غایت واحد الهی، وجود فطرت یگانه خداجو و کمال‌خواه در همه انسان‌ها، استوارترین زیرساخت‌های نظری صلح و همبستگی جهانی است و این همه اموری است که دین مبین اسلام طلایه‌دار و پیشاهنگ آن است. وی در ادامه به آیاتی که چشم‌انداز کلی و راهبرد اساسی قرآن درباره صلح و همزیستی را نشان می‌داد، اشاره کرد:

۱. «كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ هرگاه آتش جنگ برافروزند خداوند آن را فرو می‌نشاند. آنان در زمین فساد می‌گسترند، اما خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد (سوره مائده/ ۶۴).
۲. قرآن به صلح و زندگی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ ای ایمان آوردگان! همگی در صلح و اشتهی درآیید؛ و از گام‌های شیطانی پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست (سوره بقره/ ۲۰۸).

۳. قرآن هرگونه نابرابری نژادی، قومی و ذاتی انسان‌ها را، که زمینه زیاده‌خواهی و تجاوزگری است، نفی کرده است و تنها ملاک برتری را درستکاری و پاسداشت فضیلت‌های اخلاقی و انسانی می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای آدمیان! ما شما را از یک مرد و زن آفریده و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این امور ملاک امتیاز نیست)، همانا گرامی‌ترین شما نزد پروردگار پارساترین شماست، به‌درستی که خداوند دانا و آگاه است (سوره حجرات/ ۱۳).

۴. قرآن در جای دیگر به پیامبر(ص) دستور می‌دهد که اگر دشمنان به صلح گرایند از صلح و آشتی استقبال کند: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح درآی؛ و بر خداوند توکل کن، که او شنوا و داناست (سوره انفال/ ۶۰).

دکتر کریمی در خاتمه سخنانش عنوان کرد: از آنچه گذشت به خوبی روشن می‌شود که نخست، در چشم‌انداز قرآن صلح یک «قاعده» است، و جنگ «استثنا»؛ دوم، لشکرکشی و نبرد در راه تحمیل عقیده و اجبار در پذیرش دین در منطق قرآن مردود و بی‌اساس است. از دیگر اموری که در آشنایی با چشم‌انداز اسلامی پیرامون مسئله جنگ و صلح مفید و مؤثر است، آشنایی با خلق و خوی پیامبر (ص) و سیره رفتاری آن حضرت است. سماحت و گذشت، حسن خلق و معاشرت نیکو از بارزترین ویژگی‌های پیامبر بزرگوار اسلام بوده است، که این ویژگی‌ها از شاخص‌های مهم فرهنگ صلح محسوب می‌شوند.

برخی تنها علم را بستر ساز صلح می‌بینند



در ادامه نشست دکتر منصورنژاد به ارائه سخنان خود پرداخت. وی در مقدمه مطالبش گفت: برخی تنها علم را بستر ساز صلح می‌بینند. مهمترین خاستگاه آکادمیک صلح آکادمیک در روزگار ما در منطقه «اسکاندیناوری» است، حال آنکه در همان موقعیت هم‌اکنون پارلمان سوئد را راست‌گرایان گرفتند و سوئد و فنلاند درخواست عضویت ناتو دادند که تا مراحل هم از سوی ۳۰ کشور ناتو پذیرفته شده است؛

کارهای آکادمیک «مؤسسه اقتصاد و صلح استرالیا» در ارائه مؤلفه‌های هشتگانه صلح مثبت و بیان ابعاد داخلی و خارجی صلح با معیارهای بیست‌وسه‌گانه کمی و کیفی خیلی مهم است. اما در روزگار ما نتیجه بهترین ایده‌های صلح هم در سطح جهانی در عمل با مشکل مواجه است. وی افزود: برخی سکولاریسم را بسترساز صلح می‌بینند. اما مگر کشورهای غربی که از قرن ۱۷ تاکنون به سکولاریسم رسیدند، به صلح هم رسیدند؟. جنگ اول جهانی و دوم نزدیک به ۱۰۰ میلیون کشته از غریبان به جای نهاد! جنگ امروزه اوکراین با این تلفات کار کشورهایی است که در گفتمان سکولاری اقدام می‌کنند. پس سکولاریسم هم تنها راه حل برای رسیدن به صلح نیست؛ کمترین نتیجه نکات بالا آن است که بشر راه‌های دیگری هم برای صلح می‌خواهد و از اینجا راه برای طرح ادله دینی باز می‌شود. به دلایل یاد شده هنوز هم می‌توان از ادیان و صلح گفت. فراموش نشود که ادیان برخلاف کارکردهای بد؛ امکان روایت‌های صلح‌آمیز هم دارند. وی ادامه داد: در این گفت‌وگو تمرکز بحث در باب اسلام و صلح است. در اینجا نیز به اجمال می‌توان گفت که از اسلام (مثل بسیاری از ادیان) در سه سطح می‌توان سخن گفت:

۱. اسلام یک: نص و آموزه‌های اصلی
 آیات جنگ و قتال و قطع اعضا و ... در قرآن وجود دارد، همان‌گونه که آیات رحمت و لطف فراوان‌تر است. مثلاً دکتر «محسن کدیور»، در مقاله چالش اسلام و قدرت: جلسه ۷ (۲۵ فروردین ۱۴۰۰) با محاسبه بسامدها، ابتدا واژه «غضب الهی» را برشماری کرد و سپس ملحقاتش را و نیز مفهوم «رحمت» و ملحقاتش را و نتیجه بدست آمده بدین قرار است:

مجموع ۹۸	ملحقات: مقت، سخط، لعنت، کراهت، لایجب و لایرضی	غضب الهی
مجموع ۹۴۷	ملحقات: محبت، رافت، مودت، لطف، قرب، رضایت، مغفرت، عفو و صفح	رحمت الهی (رحمان، رحیم و رحمت)

نص دیگر معتبر به ویژه در جهان اسلام و در میان شیعیان نهج البلاغه است. در نهج البلاغه برابر کلید واژه‌های ترجمه «محمد دشتی»، بسامد جنگ و خشونت بیش از صلح و به قرار ذیل است:

جدول واژگانی صلح و ناصح در نهج البلاغه				
ردیف	مفاهیم و واژه‌های ناصح	تعداد کد	مفاهیم و واژه‌های صلح	تعداد کد
۱	جنگ	۱۸۹	صلح	۹
۲	جهاد	۴۰	اصلاح	۱۹
۳	ظلم	۲۰	حق و حقوق سیاسی	۳۹
۴	ستم، ستمکار، ستمگر، ستمگران	۳۸	عدل و عدالت ۳۴ بار که ۳۲ مورد	۳۲



کمترین دلیل تفاوت‌های بسامد نهج‌البلاغه و قرآن در زمینه جنگ صلح یکی بدان دلیل است که نهج‌البلاغه مشتمل بر همه نوشته‌ها و گفتار امیرالمؤمنین نیست و «سید رضی» فقط نکات بلیغ را در آن گردآوری کرده است. به‌عنوان شاهد، کلمات قصار نهج‌البلاغه ۴۸۰ مورد است و اما در «غرر الحکم» بالای ۱۰ هزار از کلمات امیر المؤمنین آمد. (بیش از ۲۲ برابر). دلیل دیگر آن است که عمده خطب و نامه‌های نهج‌البلاغه مربوط به زمان حکومت امیرالمؤمنین است و در حکومت ۵ ساله علی جنگ هییی بر او تحمیل شد و او نیز در شرایط جنگی و به اقتضای موقعیت، لاجرم از شرایط و مباحث مرتبط با جنگ بیشتر سخن گفت.

۲. اسلام دو: فهم دینی؛ که نگاه بزرگان دینی با تأکید بر مواضع فقها در اسلام به سه دسته زیر قابل تقلیل است:

اول: جدای از گفتمان عرفانی که مصلحانه و رحمت مدار است، فقهایی وجود داشتند که برای صلح اصالت قایل بودند. مثلاً سید مرتضی از قدما و یا نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (کتاب جهاد در اسلام). از سنی‌ها، یوسف قرضاوی که در زمینه صلح کتاب فقه‌الجهادش (۲۰۰۹) در بالای ۱۶۴۰ صفحه بسیار منبع مهمی است. چون ادله رقبا را مفصل طرح و رد می‌کند.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز اسناد فرهنگی آسیا برگزار می‌کنند:

فرهنگ صلح در آئین دین مبین اسلام

سخنرانان:
دکتر محمد منصور نژاد
(عضو کمیته علمی دین پژوهی انجمن مطالعات صلح)
دکتر مهدی کریمی
(عضو هیات علمی مرکز اسناد فرهنگی آسیا پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)
دبیر نشست: دکتر مهدی کریمی

زمان: چهارشنبه ۳۰ شهریور ماه ۱۴۰۱ ساعت: ۱۷ تا ۱۹

لینک ورود رایگان:
<https://b2n.ir/r86245>

دوم: فقهایی که اصالت را در جنگ و جهاد می‌دیدند. یعنی به‌نظر آنها مسلمانان باید غیر مسلمانان را با جنگ به اسلام دعوت کنند. از امام شافعی در اهل سنت در کتاب «ام» تا شیخ طوسی و علامه طباطبایی در المیزان مثلاً (ذیل آیات ۶۶-۵۵) دیدگاه کسانی را نقل می‌کند (بدون اینکه نقد کند!) که آیات «و ان جنحو لسللم کافه فاجنح لها» (انفال/۶۱) را به وسیله آیاتی چون «قاتلو المشرکین حیث وجدتموهم» نسخ شده می‌دانند. البته امروزه هم که در کنار مستشرقین برخی روشنفکران دینی نیز از خدای سلطان، قرآن خوفنامه و پیامبر اقتدارگرا گفتند.

سوم: فقهایی که به مدیریت اقتضایی قایلند؛ اینان می‌گویند، در اسلام نه جنگ اصل است و نه صلح، بلکه به تناسب موقعیت تصمیم مقتضی گرفته می‌شود. این ایده را علامه «سیدمحمد حسین فضل الله» از علمای شیعی لبنان معتقد بود.

۳. اسلام سه: عمل دینی: در این سطح تحلیل به عملکرد مسلمانان در طول تاریخ و در زمان حاضر پرداخته شده و میزان خشونت‌ها و دوستی‌ها توصیف و تحلیل می‌شود. کمترین سخنی که در اینجا می‌توان گفت آن است که دست کم در دهه‌های اخیر مناسبات مسلمانان با هم اصلاً وضعیت مطلوب و رضایت بخشی ندارد.

دکتر منصورنژاد بحث خود را این‌گونه جمع‌بندی کرد:

۱. در اسلام جنگ و صلح با هم آمدند؛ اما از نگاه این جانب در این دین، اصل بر صلح است و آموزه‌های مرتبط با جنگ و خشونت باید متناسب و در راستای آنها فهم و تفسیر شوند. (تا کنون در ۲ جلد کتاب این مدعا را مدلل نمودم).

۲. در زمینه فرهنگ صلح ادبیات موجود در جهان اسلام چه قدیم و چه جدید اصلاً رضایت‌بخش نیست.

۳. گرچه نصوص، سنت و سیره برای ارائه ایده‌های جدی در صلح ظرفیت دارند، اما ادبیات نظری موجود در حدی و به‌گونه‌ای نیست (هم‌کما محدودند و هم اجماعی نیستند) که بتوان مفهوم‌بندی دقیق از صلح در اسلام ارائه کرد و بر اساس آن به شاخص‌های صلح رسید و سپس برای فرهنگ‌سازی صلح اقدام داشت. با این وصف سخن از صلح در اسلام در شرایط کنونی بسیار ضروری و مهم است.



یادداشت به مناسبت روز ملی مردم‌شناسی: ابوریحان بیرونی و روز ملی مردم‌شناسی

سمیه کریمی
عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



سیزده شهریور روز ملی مردم‌شناسی در ایران با نام دانشمند شهیر حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی ابوریحان بیرونی گره خورده است. این انتخاب مدیون حضور دکتر ابراهیم فیاض در شورای فرهنگ عمومی و برانگیختن توجه نسبت به اهمیت نام‌گذاری این روز به نام دانش مردم‌شناسی است و از جایگاه رویکرد و گفتمان پسااستعماری در مورد این رشته از علوم انسانی در دهه‌های اخیر جهان حکایت می‌کند. در این میان باید به امری مهم اشاره داشت که بر فهم جایگاه تاریخی رشته مردم‌شناسی در ایران روشنی افزون‌تر می‌افکند: برخلاف مردم‌شناسی غرب که در دامن استعمار شکل گرفت و از همان آغاز حضورش ابزاری برای شناخت فرهنگ‌ها با هدف استعمارشان بود، مردم‌شناسی در ایران هرگز به ابزار و ابژه قدرت‌های استعمار تبدیل نشده است و از این‌رو دامن این علم از پیوند با گفتمان قدرت‌های استعمارگر و رویکرد تحقیرآمیز نسبت به اقوام و فرهنگ‌ها پالوده و پاک بوده است. بر این مبنا گفتمانی که در دهه‌های اخیر در غرب به‌عنوان «گفتمان پسااستعماری» این علم شناخته می‌شود و با منشور اخلاقی این رشته پیوند دارد، از آغاز در مورد آنچه ابوریحان بنا نهاد مطابقت می‌کند. طلایه‌دار مردم‌شناسی ایران شناخت فرهنگ را با هدف تحقیر دیگری همراه نساخت. مردم‌شناسی ایران هرگز تولیدکننده گفتمان استعماری و مفاهیمی قوم‌مدارانه و پرسیامدی چون «وحشی»، «اولیه» و «غیر متمدن» نبوده است.

ابوریحان بیرونی قرن‌ها پیش از مالینوفسکی و بواس برای تحقیق درباره فرهنگ، به «مشاهده مستقیم» روی آورد و راز و اهمیت فوق‌العاده «حضور در میدان» و «مشاهده مشارکتی» را به منظور شناخت فرهنگ دریافت. او به هند رفت. زبان کشوری را که می‌خواست به تحقیق درباره فرهنگ آن بپردازد، (زبان سانسکریت) آموخت. از روش مصاحبه برای گفت‌وگو با مطلعان کلیدی در هند استفاده کرد. این در حالی است که حتی هم‌اکنون هم بسیاری از مردم‌شناسان از سختی کار در میدان با وجود سهولت و گسترش تکنولوژی حمل و نقل چون هواپیما و قطار و اتوموبیل روی گردانند و سختی آموختن زبان را بر خود هموار نمی‌سازند. ابوریحان بیرونی چون مالینوفسکی دفترچه یادداشتی نداشت که پس از مرگش محتوای قوم‌مدارانه آن فاش شود و به دلیل بیان احساسات منفی و اتخاذ نگاه برتر نسبت به انسان‌های غیرغربی که آنها را مطالعه می‌کرد آماج نقد واقع شود

این دفترچه یادداشت جهانیان را درباره مردم‌شناسی که او را بانی و بنیانگذار مطالعه میدانی و مشاهده مشارکتی معرفی می‌کنند، دچار بهت و حیرت ساخت. اما ابوریحان ارزش متفاوت بودن را در حوزه فرهنگ می‌دانست و منابع درک او از تفاوت‌های فرهنگی منابع اسلامی چون قرآن (سوره الروم آیه ۲۱ و ۲۲) و سنت‌های ایرانی بود.

ابوریحان بیرونی نگاهی میان‌رشته‌ای به شناخت فرهنگ داشت آنچه یافته مهم پژوهشگران عصر ما محسوب می‌شود. حکیم دانش‌پژوهی است که به چند شاخه از علم آگاه است و نگاهی کل‌گرا به فهم موضوع دارد. او نه تنها بانی رشته مردم‌شناسی که یکی از بنیانگذاران علوم هویتی در جهان است، شناخت همزمان زبان، اساطیر، باورها، تقویم، کیهان‌شناسی قومی، جغرافیا و غیره.

او مردم‌شناسی بود که نبوغ خیره‌کننده‌اش در زمان خود در عرصه شناخت فرهنگ درک نشد. ابوریحان بیرونی حلقه وصل جهان ایرانی و جهان اسلام نیز بوده است. کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان باید به خود ببالند که این طلایه‌دار مردم‌شناسی و علم مطالعه فرهنگ به آنان تعلق دارد. اگر گروهی ابن‌خلدون را بنیانگذار جامعه‌شناسی می‌شمرند دلایل بسیار محکم‌تری وجود دارد که ابوریحان بیرونی بانی علم مردم‌شناسی جهان است. در این میان پرسش این است که آیا ابوریحان بنیانگذار رشته‌های علمی دیگر نبوده است، اکنون در هزار و پنجاهمین سالگرد تولد او باید گفت، او نگاهی چندرشته‌ای به علم داشت و به این دلیل، شگفت‌انگیز نیست که نابغه‌ای چون او طلایه‌دار چند رشته مهم علمی باشد. این موضوعی است که بهتر است در معرفت‌شناسی عصر کلاسیک تاریخ علم مورد توجه قرار گیرد. در اینجا است که می‌باید جایگاه ابوریحان را به‌عنوان حافظ سنت‌های علمی، نماینده و نماد علم در حوزه فرهنگی و تمدنی ایرانی و اسلام، توسعه‌دهنده علوم و منبع در زمانی و پویای ایرانیان از علوم متعدد بسیار مهم ارزیابی کرد. جایگاه اندیشمندان بزرگی چون ابوریحان بیرونی کم‌اهمیت‌تر از بزرگانی چون حافظ و فردوسی نیست. امروزه با رجوع به شخصیت‌هایی چون بیرونی، ابن سینا، فارابی می‌توان به پیوند سیاستگذاری‌های هویتی با تاریخ علم در ایران چون پیوند ادبیات پرشکوه فارسی در آثار بزرگانی چون حافظ و فردوسی با هویت ایرانی اندیشید. توسعه علم مردم‌شناسی با توجه به پیشینه و جایگاه این علم در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی، می‌تواند میراث علم را در ایران زنده نگاه دارد. از سوی دیگر مردم‌شناسی به‌مثابه علمی که محتوای بومی دارد، نه تنها با خودآگاهی هویتی گره می‌خورد و بر پویایی آن تأثیر مثبت می‌نهد، که شاهراهی به سوی توسعه پایدار است. بی‌تردید توسعه پایدار بدون فهم بومی از مسائل موجود در یک سرزمین ممکن نخواهد بود. بر مبنای این یافته مهم، پیشرفت این رشته در ایران به نوعی پیشرفت توسعه پایدار و دستیابی به الگوهای بومی توسعه در کشور است.

در بازخوانی تاریخ علم، اکثر محققان غربی، بیرونی را پدر هندشناسی شمرده‌اند. به نظر می‌آید این رویکرد اوریتالیستی کتمان حقیقتی بزرگ است. این نگاه به نوعی انکار حضور علم مردم‌شناسی پیش از مردم‌شناسان معاصر را به ذهن متبادر می‌نماید. این رویکرد همزمان جایگاه و پیشینه مردم‌شناسی به‌عنوان یکی از رشته‌های علوم انسانی را در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران و جهان اسلام انکار می‌کند. اکنون پارادوکسی بزرگ وجود دارد: علم مردم‌شناسی مدعی شناخت منصفانه و بدون جانبداری فرهنگ‌های بشری است و از نگاهی برابر می‌خواهد از تاریخ فرهنگی بشر حکایت کند. این درحالی است که روایت غالب و رسمی غرب از تاریخ علم منکر جایگاه ابوریحان بیرونی است و تقریباً در اغلب کتاب‌های تاریخ مردم‌شناسی اشاره‌ای به او نشده است. هرچند برخی انسان‌شناسان حوزه فرهنگ اسلامی همچون طلال اسد و یا اکبر احمد در آثار خود مانند کتاب مردم‌شناسی اسلامی کوشیدند روایتی دیگر از تاریخ علم مردم‌شناسی ارائه دهند اما این روایت به‌گفتمان غالب مردم‌شناسی در جهان راه نیافت. البته تأثیر ادوارد سعید بر این دست محققان انسان‌شناس آنچنان قدرتمند بود که انسان‌شناسی بومی به حاصل رویکرد انتقادی او به ادبیات شرق‌شناسانه و تأثیر مردم‌شناسی غرب تبدیل شد. اکنون کشورهای مختلف سعی دارند تا ادبیات مردم‌شناسی خود را خلق کنند و از تبدیل شدن شرق به ابژه مطالعه و شناخت غرب دوری جویند. به این منظور ضروری است جایگاه ابوریحان بیرونی در خوانش نقش تاریخی مردم‌شناسی مورد توجه مجدد و جدی قرار گیرد.

یادداشتی به مناسبت روز مبارزه با استعمار:

میهن پرست جاودانه: در بزرگداشت رئیسعلی دلواری؛ رهبر قیام تنگستان علیه نیروهای اشغالگر بریتانیا

الهام رضائزاد رامهرمزی

کارشناس مدیریت ترویج دستاوردهای پژوهش‌های علوم انسانی پژوهشگاه



در ایران با مصوبه شورای عالی انقلاب (سال ۱۳۸۹) سالروز کشته‌شدن رئیسعلی دلواری برابر با روز ۱۲ شهریور ماه، به نام «روز ملی مبارزه با استعمار» نامگذاری شده است. تاریخ ایران پر از حوادث و وقایع عبرت‌انگیز است و وجود روح استقلال ملی همیشه در پرده‌های وقایع و حوادث آن موج می‌زند. یکی از این حوادث عبرت‌انگیز دستکم برای آنان که تصویری خام از تجزیه ایران دارند قیام دلیران تنگستان است. بیایید نگاهی کنیم خلاصه‌وار به قیام رئیسعلی دلواری و یاران آن که چگونه انگلیسی‌ها را آن هم در زمانی شکست دادند که جهان درگیر جنگ اول جهانی بود و دولت مرکزی ایران به شدت ضعیف بود و نمی‌توانست از بی‌طرفی خود دفاع کند. حکام منطقه‌ای او در جنوب، به‌ویژه بوشهر نیز توان حفاظت از منافع ایران در برابر انگلیس را نداشتند اما در این میان، ایستادگی و مقاومت رئیسعلی جوان در برابر استعمار انگلیس و شکست دادن کشتی‌های جنگی آنها در جنگ دلواری دوباره در قلب و طندوستان دمید. بعد از جنگ‌های ایران و روسیه و تحمیل قرارداد گلستان و ترکمنچای، ایران در موقعیت ضعف قرار گرفته بود و نیروهای نظامی ایران از نظر روحی توان مقابله با قدرت‌های بزرگ را از دست داده بودند. تنها استثناء در این زمینه جنگ دلواری بود که نیروهای ایرانی در جنگ با انگلیسی‌ها، شکست سختی به آنان وارد کردند. انگلیس با شکست مفتضحانه، ده‌ها تن از افسران نظامی و نیروهای دیگر خود را از دست داد. شکستی که تا مدت‌ها آنها را مبهوت کرده بود.

زندگی‌نامه و مبارزات مشروطه‌خواهی رئیسعلی دلواری؛ مبارز مشروطه‌خواه و رهبر قیام جنوب در تنگستان و بوشهر علیه نیروهای بریتانیا

رئیسعلی دلواری در سال ۱۲۶۱ خورشیدی برابر با ۱۸۸۲ میلادی (۱۲۹۹ قمری) در روستای دلواری از توابع تنگستان متولد شد. (البته تاریخ تولد او در برخی منابع ۱۲۶۰ ذکر شده است). دلواری، امروز شهری است در شهرستان تنگستان از توابع استان بوشهر. مادر رئیسعلی به نام شهین اهل تنگستان و پدرش زائر محمد از کلدایان اهل دلواری بود که بعدها به «معین‌الاسلام» ملقب شد.

رئیسعلی با شروع نهضت مشروطیت، درحالی که ۲۴ سال بیشتر نداشت به پیشگامان مشروطه‌خواه در جنوب ایران پیوست و با محافل انقلابی و عناصر مشروطه‌طلب در بوشهر، تنگستان و دشتی همکاری کرد. او در دوران دیکتاتوری محمدعلی شاه قاجار علیه حکومت او در جنوب دست به اسلحه برد و در ۱۲۸۷ خورشیدی به درخواست ملاعلی تنگستانی و سیدمرتضی مجتهد اهرمی که مخالف استبداد محمدعلی شاه قاجار بودند، بوشهر را از سلطه عمال شاه قاجار آزاد کرد و حدود ۹ ماه شهر را در کنترل گرفت.

از سوی دیگر، دوران جوانی رئیسعلی با حضور گسترده استعمار انگلیس در خلیج فارس نیز هم‌زمان شده بود. با آغاز جنگ اول جهانی، دو قدرت روسیه و انگلستان که همسایگان شمالی و جنوبی (هند) ایران بودند با همدیگر متحد شدند. این دو کشور طبق قراردادی که در سال ۱۹۰۷م منعقد کرده بودند، ایران را به دو منطقه نفوذ شمال و جنوب و یک منطقه بی‌طرف تقسیم کردند. اما ضعف حاکمیت مرکزی باعث شد قوای روس از شمال و نیروهای انگلستان از جنوب به کشور حمله کرده و بی‌طرفی ایران را نقض کنند. بدین ترتیب، انگلیسی‌ها از جنوب به ایران هجوم آوردند و کشتی‌های جنگی انگلستان در مقابل بوشهر لنگر انداختند.

بوشهر برای انگلیس به‌عنوان بندری تجاری و به لحاظ جغرافیای سیاسی در منطقه خلیج فارس با اهمیت تلقی می‌شد. هم‌زمان حضور آلمان در بوشهر که در آن زمان با بریتانیا در جنگ بود، بهانه‌ای به دست انگلیسی‌ها داد تا این شهر را اشغال کند. در پی این تصمیم، انگلیس مقامات کنسول آلمان را دستگیر کرد. این اقدام سبب شد ایران اعتراض کند. با وجود این، انگلیس در ۱۷ مرداد ۱۲۹۴ش بوشهر و نواحی ساحلی اطراف را اشغال کرد. یک روز پس از اشغال بوشهر، چهارده نفر از ساکنان آن علیه اشغالگران اعتراض کردند، ولی چون اهل نبرد مسلحانه نبودند دستگیر و به هندوستان تبعید شدند.

در پی این اتفاق، حکم جهاد علمای نجف از جمله میرزای دوم توسط شیخ محمدحسین برازجانی به انضمام حکم خود شیخ به رئیسعلی ابلاغ شد. رئیسعلی نیز همراه دوست خود، خالو حسین بردخونی دشتی در اوایل ماه رمضان ۱۳۳۳ قمری در عمارت حاج سید محمدرضا کازرونی، پس از مذاکراتی با او اعلام کرد که آماده است از بوشهر دفاع کند و مانع از پیشروی نیروهای انگلیسی شود. بدین ترتیب، رئیسعلی نقشی مهم در قیام جنوب بازی کرد. قیام مردم تنگستان به رهبری او تقریباً هفت سال طول کشید. در این مدت دلیران تنگستانی دو هدف عمده را دنبال می‌کردند، پاسداری از بوشهر، دشتستان و تنگستان به‌عنوان منطقه سکونت خود و جلوگیری از حرکت قوای بیگانه به درون مرزهای ایران و دفاع از استقلال وطن.





نبرد دلواری

نیروهای انگلیسی هم‌زمان با حمله به بوشهر قصد داشتند ناحیه دلواری را نیز تصرف کنند. دلواری محلی بود که پیش از آن چندبار سربازان انگلیسی به آنجا تجاوز کرده، اما طعم شکست را در این ناحیه چشیده بودند. رئیسعلی دلواری و شیخحسینخان چاهکوتاهی و زایر خضرخان اهرمی که از این وقایع آگاه بودند درصدد دفاع از وطن برآمدند. قیام دلیران تنگستان علیه اشغالگران آغاز شد و نیروهای متجاوز انگلیسی که نزدیک به پنج‌هزار نفر بودند در دام مبارزان تنگستانی گرفتار آمدند و عده زیادی از نیروهای انگلیسی در این حمله کشته شدند. عملیات چریکی پیروزمندانه رئیسعلی، مبارزان دیگر تنگستان را به همراهی با او ترغیب کرد. او تا تابستان ۱۹۱۵ عملیاتی موفق را علیه نیروی دریایی انگلیس رهبری کرد. به گونه‌ای که انگلیسی‌ها مجبور شدند نیروهای کمکی از عراق و هند به بوشهر بیاورند و دلواری را به شدت بمباران کنند.

نبرد بوشهر

زمانی که مقامات انگلیسی تصمیم گرفتند بوشهر را اشغال و به سوی شیراز پیشروی کنند تلاش کردند رئیسعلی را تطمیع کنند. برای این هدف، دو نفر از متابعان حیدرخان حیات داودی را به دلواری فرستادند تا موافقت او را با پیاده‌شدن قوای انگلیس در کرانه خلیج فارس و حرکت به سوی شیراز جلب کنند. نمایندگان حیدرخان ضمن ملاقات با رئیسعلی متذکر شدند که چنانچه او از قیام علیه قوای اشغالگر صرف نظر کند، مقامات انگلیسی ۴۰ هزار پوند به او خواهند پرداخت. رئیسعلی در پاسخ آنها می‌گوید: «چگونه می‌توانم بی‌طرفی اختیار کنم درحالی که استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار گرفته است؟»

پس از مراجعت نمایندگان حیدرخان، مقامات انگلیسی نامه تهدیدآمیز به رئیسعلی نوشتند مبنی بر اینکه: «چنانچه علیه دولت انگلستان قیام و اقدام کنید، با شما می‌جنگیم و خانه‌هایتان ویران و نخل‌هایتان را قطع خواهیم کرد.»

رئیسعلی در پاسخ مقامات انگلیسی نوشت: «خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آنها خارج از حیطه قدرت و امکان امپراتوری بریتانیا است. بدیهی است که در صورت اقدام آن دولت به جنگ با ما، تا آخرین حد امکان مقاومت خواهیم کرد.»

بعد از اینکه انگلیسی‌ها در متقاعدکردن دلواری ناکام ماندند، در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ قمری نیروهای خود را بدون مقدمه و اخطار قبلی در بوشهر پیاده کردند. آنان که قبلاً جزایر خلیج فارس را تصرف کرده بودند، بوشهر را که علاوه بر موقعیت ژئوپولیتیک، مرکز عمده مبادلات تجاری، صادرات و واردات با شبه‌جزیره هند و شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج فارس و کشورهای اروپایی به‌ویژه انگلیس و آلمان بود نیز اشغال کردند. این اقدام سبب شد مرزنشینان تنگستانی واکنش نشان دهند. در این زمان، رئیسعلی دلواری به عنوان رهبر قیام در مقابل اشغالگران قرار گرفت.

شکست انگلیس در دلواری

رئیسعلی که از قبل، از حمله به دلواری اطلاع داشت، بلافاصله در اقدامی تاکتیکی دلواری را تخلیه و به سمت کوه‌های اطراف منطقه‌ای مشهور به «کلات بوجیر» عقب‌نشینی کرد. هنگامی که سربازان انگلیسی و هندی وارد دلواری شدند دلواری تقریباً خالی از سکنه بود. به همین دلیل شروع به گلوله‌باران منازل مسکونی خالی و قطع نخل‌های دلواری کردند. رئیسعلی در همان شب با ۴۰۰ تن از نیروهای خود به قوای انگلیسی شیبخون زدند و ۶۰ تن از نیروهای متجاوز از جمله یک ژنرال بلندپایه را کشتند. همین امر سبب پیروزی او در این جنگ شد. پس از این جنگ، رئیسعلی دلواری بر حملات شبانه خود به بوشهر و پادگان انگلیسی‌ها افزود و با هم‌فکری خوانین دیگر منطقه، نقشه حمله سراسری به بوشهر و آزادکردن آن را کشید. بدین ترتیب، رئیسعلی دلواری برای دفاع از استقلال وطن و حفظ حریم مرزی ایران با همراهی یارانش نیروهای متجاوز انگلیسی را شکست داد. جنگ دلیران تنگستان به رهبری او تا شهریور ۱۲۹۴ ادامه پیدا کرد و انگلیسی‌ها نتوانستند او و یارانش را شکست دهند.

رئیسعلی چگونه کشته شد؟

جنگ میان دلیران تنگستان به رهبری رئیسعلی دلواری در کنار سیصد تنگدار برازجانی به رهبری غضنفرالسلطنه برازجانی از یک سو و نیروهای بریتانیا و خوانین متحد آنان از سوی دیگر، پیاپی و پراکنده تا شهریور ۱۲۹۴ ش ادامه یافت و انگلیسی‌ها نتوانستند بر رئیسعلی و یارانش برتری یابند. اما فردی نفوذی به نام غلامحسین تنگکی رئیسعلی را در محلی به نام «تنگک صفر» درست هنگامی که به قوای بریتانیا شیبخون زده بود، از پشت سر هدف گلوله

قرار داد و او در سن ۳۳ سالگی به شهادت رسید.

خبر آمد که دشتستان بهار است زمین از خون احمد لاله‌زار است

الا ای مادر پیرش کجایی که احمد یک تن و دشمن هزار است

تاریخ این شبیخون و کشته شدن رئیسعلی دلواری در همه منابع، شب ۲۳ شوال ۱۳۳۳ قمری برابر با ۳ سپتامبر ۱۹۱۵ میلادی نقل شده است، که می‌تواند با ۱۲ شهریور ۱۲۹۴ شمسی رایج در آن زمان برابر بوده باشد. از آن پس نیروهای تنگستانی با رهبری زایر خضرخان فولادی، نیروهای چاهکوتاهی با رهبری شیخ حسینخان چاهکوتاهی و دشتستانی‌ها با رهبری میرزا محمدخان برازجانی تا پایان جنگ جهانی اول (سال ۱۹۱۸ میلادی) و تا پایان سیطره قدرت بریتانیا بر جنوب ایران همواره به مواضع انگلیسی‌ها در این منطقه هجوم می‌بردند و مانع پیوستن آنها به نیروهای بین‌النهرین شدند.

انگیزه رئیسعلی دلواری از مبارزه با انگلیسی‌ها

سیدقاسم یاحسینی پژوهشگر تاریخ معاصر و نویسنده بوشهری کتاب رئیسعلی دلواری درباره انگیزه و هدف رئیسعلی دلواری از مبارزه با انگلیسی‌ها گفت: این ادعا که از سوی برخی مطرح می‌شود: «اختلاف‌های مالی و تجاری دلیل درگیری بین تنگستانی‌ها و در صدر آنها رئیسعلی دلواری با انگلیسی‌ها بود»، به لحاظ تاریخی درست نیست. نخستین درگیری‌ها پیش از جنگ جهانی اول و در دوره مشروطه و استبداد صغیر به وجود آمد که دلواری بوشهر را به فرمان آیت‌الله علم الهدی اهرمی تصرف کرد. این نخستین درگیری و اختلاف بین رئیسعلی دلواری و انگلیسی‌ها بود. این منازعات و درگیری‌ها کمابیش تا جنگ جهانی اول ادامه داشت. با آغاز جنگ جهانی اول، انگلیسی‌ها در اروپا تحرکاتی انجام دادند که مداخله آشکار در امور داخلی ایران به حساب می‌آمد؛ با توجه به اینکه دولت ایران با شروع جنگ جهانی اعلام بی‌طرفی کرد. نقطه اوج این قضیه دستگیری دکتر لیسترن سرکنسول‌گری آلمان در بوشهر و چند تن از کارمندان شرکت تجاری وانکهاوس بود. این نقض آشکار بی‌طرفی ایران در جنگ جهانی اول و مداخله انگلیسی‌ها در ایران و بوشهر بود. این امر سبب واکنش علما و خوانین ضدانگلیسی جنوب شد.

آرامگاه رئیسعلی دلواری

پیکر او ابتدا در نزدیکی حرم امامزاده‌ای در روستای «کله‌بند» به خاک سپرده شد. اما به موجب وصیت خود رئیس‌علی، پس از انتقال پیکر او را در جوار حرمعلینابی‌طالب در وادی‌السلام دفن کردند. کنگره هشتادمین سال کشته‌شدن او در سال ۱۳۷۳ در بوشهر برگزار شد. همساله مراسم بزرگداشت این قهرمان ملی در استان بوشهر به‌ویژه محل تولد او دلواری در سالروز شهادت او برگزار می‌شود.

بخشی از قسمنامه رئیسعلی دلواری، وقتی قیام خود را علیه استعمار انگلیس آغاز کرد:

ای کلام‌الله گفتار مرا شاهد باش، من به تو سوگند یاد می‌کنم که اگر انگلیسی‌ها بخواهند بوشهر را تصرف کنند و به خاک وطن من تجاوز کنند در مقام مدافعه برآیم و تا آخرین قطره خون من بر زمین نریخته است، دست از جنگ و ستیز با آنان نکشم و اگر غیر از این رفتار کنم، در شمار منکرین و کافرین به تو باشم و خدا و رسول از من بیزار شوند.

منابع

- یاحسینی، سیدقاسم، ۱۳۶۸، رئیس‌علی دلواری، نشر شیرازه
 رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، ۱۳۷۰، دلیران تنگستانی، نشر اقبال
 ذوقی، ایرج، ۱۳۶۸، ایران و قدرت‌های بزرگ ۱۹۰۰-۲۵، چاپ اول، نشر پازنگ
 جلالی، صادق، ۱۳۷۸، دلیران تنگستان، نشر زریاب
<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPape>

انتصاب‌ها

دکتر نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی جداگانه



دکتر محمدحسن نیلی را
به مدت چهار سال
به عنوان مدیرمسئول
نشریه «پژوهش نامه انتقادی»،



دکتر سیدجواد میری منیق را
به مدت دو سال
به عنوان سردبیر
نشریه «جامعه پژوهی فرهنگی»،



دکتر ابراهیم التجائی را
به مدت دو سال
به عنوان سردبیر
نشریه «بررسی مسائل اقتصادی ایران»،



آقای امیر اعتمادی بزرگ را
به عنوان نماینده رئیس پژوهشگاه
در مدیریت نشر آثار علمی
منصوب کرد.

دیدار رئیس پژوهشگاه (دکتر موسی نجفی) با همکاران انتظامات





مراسم عزاداری رحلت پیامبر اکرم (ص) در پژوهشگاه





پیام تسلیت رئیس پژوهشگاه به مناسبت درگذشت برادر وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

در پی درگذشت برادر جناب آقای دکتر محمدعلی زلفی گل، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، دکتر موسی نجفی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی پیام تسلیتی را برای ایشان ارسال کرد و وزیر علوم نیز به پیام تسلیت ایشان پاسخ گفت. متن پیام تسلیت رئیس پژوهشگاه و پاسخ وزیر علوم به این پیام تسلیت بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

استاد گرانمایه و دانشمند ارجمند
جناب آقای دکتر محمد علی زلفی گل
وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری

درگذشت اخوی ارجمندتان را تسلیت عرض نموده و از خدای بزرگ و رحمان برای آن مرحوم رحمت و مغفرت الهی و برای شما و سایر بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم .

اسئل الله العفو و حسن العاقبه
رحمه الله عليه رحمه واسعة
خداوند درجاتشان را متعالی کند

موسی نجفی
رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پاسخ وزیر محترم علوم به پیام تسلیت دکتر نجفی:

استاد عزیز جناب آقای دکتر نجفی
با سلام و دعای خیر
احتراماً، از ابراز همدردی جنابعالی سپاسگزارم، خداوند رفتگان شما را هم بیامرزد، امیدوارم غم
نبیند.
ارادتمند همیشگی شما - زلفی گل



پیام تسلیت رئیس پژوهشگاه
به مناسبت درگذشت مادر حجت الاسلام و المسلمین دکتر غلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

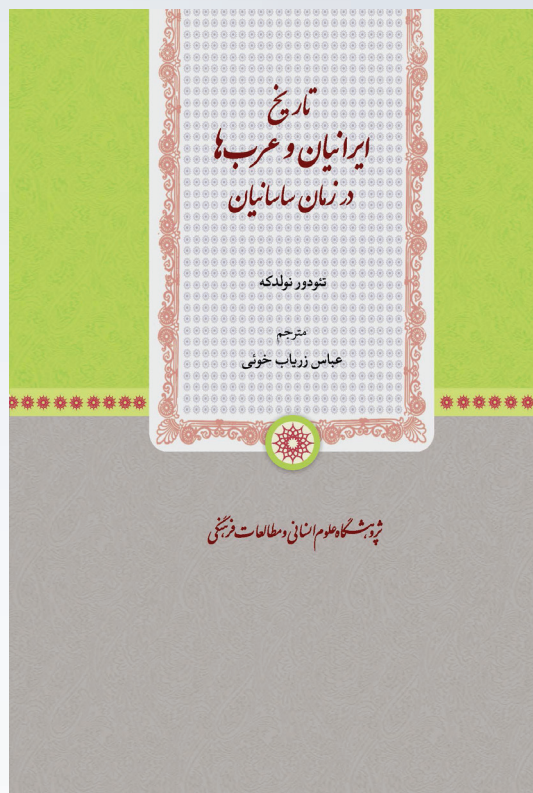
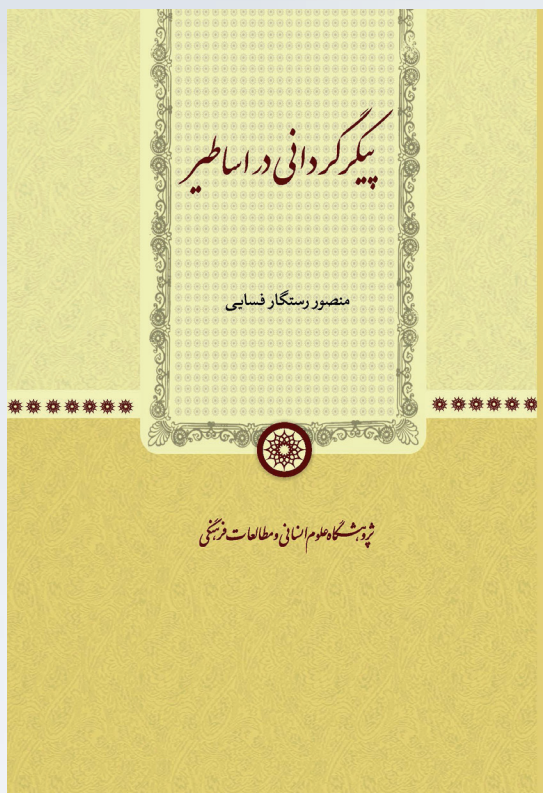
برادر عزیز و استاد گرانمایه
جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضا غلامی

درگذشت مادر مؤمنه و محترمه‌تان را تسلیت عرض نموده و از خدای بزرگ و
رحمان برای آن مرحومه رحمت و مغفرت الهی و برای شما و سایر بازماندگان
صبر جمیل و اجر جزیل مسئلت دارم.

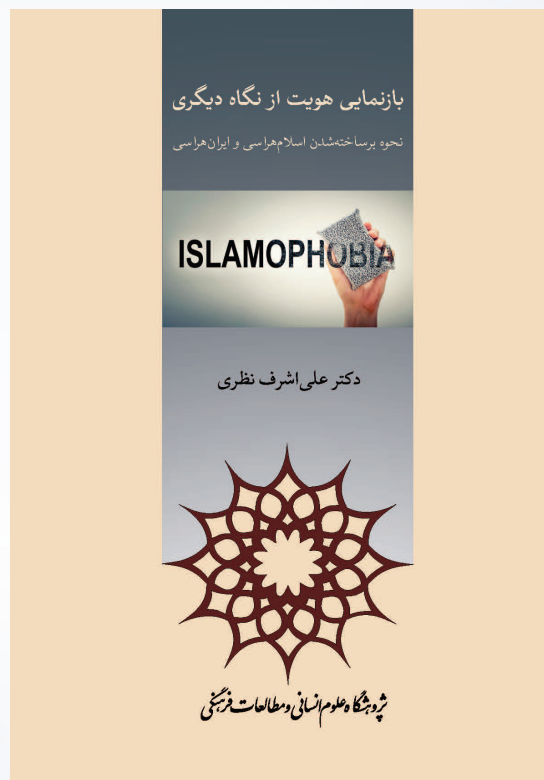
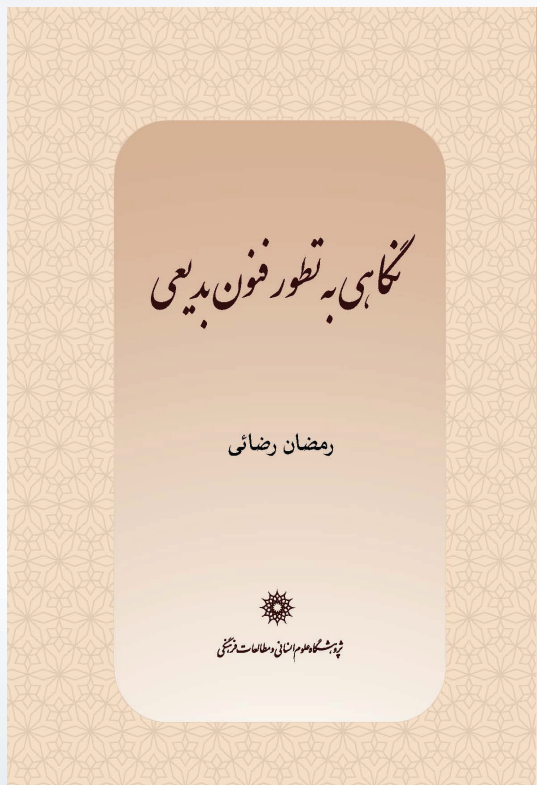
اسئل الله العفو و حسن العاقبه
رحمه الله عليها رحمه واسعة
خداوند درجاتشان را متعالی کند.

موسی نجفی
رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتاب‌های منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



کتاب‌های منتشر شده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



دانشگاه علامه طباطبائی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

همایش ملی تاریخ فرهنگی در ایران و چالش‌ها

مسائل، مفاهیم، روش‌ها، چالش‌ها

دوم اسفند ماه ۱۴۰۱
زبان همایش: فارسی و انگلیسی

آخرین مهلت ارسال چکیده ۱۴ آذر ۱۴۰۱
اعلام نتایج چکیده ۱ دی ماه ۱۴۰۱
آخرین مهلت ارسال مقاله کامل ۷ بهمن ۱۴۰۱
اعلام نتایج مقالات ۱۵ بهمن ۱۴۰۱

محورهای همایش

- چیستی تاریخ فرهنگی
تعریف، واژگان بنیادین، مفاهیم و قلمرو موضوعی
چارچوب‌های نظری
- تاریخ‌نگاری «تاریخ فرهنگی»
پیشگامان تاریخ فرهنگی
تاریخ فرهنگی جدید و نسبت آن با علوم تاریخی
چالش‌ها و فرصت‌های مورخ در تاریخ‌نگاری فرهنگی
جنبه‌های روش شناختی تاریخ فرهنگی
مطالعات جهانی و تطبیقی تاریخ فرهنگی
- تاریخ فرهنگی در ایران
وضعیت فعلی و چشم‌اندازهای آن
بررسی و ارزیابی تولیدات پژوهشی در حوزه تاریخ فرهنگی
- تاریخ فرهنگی ایران (پیشنهادهایی برای پژوهش)
تداوم و گسست امر فرهنگی در تاریخ ایران
باستان‌شناسی و تاریخ فرهنگی (اتن‌اشناسی فرهنگی، نشانه‌شناسی فرهنگی و ...)
معماری و تاریخ فرهنگی
تاریخ جنسیت و زنانه‌نویسی در تاریخ فرهنگی
زندگی روزمره و سبک زندگی در تاریخ ایران
فرهنگ رسمی و غیررسمی (عامه)
تاریخ احساسات و عواطف (تاریخ شرم، تاریخ ترس، تاریخ عشق، ...)
تاریخ ذهنیت و حافظه فرهنگی
حافظه فرهنگی
جنگ و تاریخ فرهنگی
آیین‌ها، آداب و رسوم فرهنگی ایران
بازنمایی تاریخ فرهنگی در آثار و منابع فارسی زبان

دبیر اجرایی همایش: دکتر مهسا ویسی

ایمیل همایش: ich@ihcs.ac.ir

دبیر علمی همایش: دکتر محمدامیر احمدزاده

وبگاه همایش: ihcs.ac.ir/culturalhistory

آدرس دبیرخانه همایش: تهران - بزرگراه کردستان - خ دکتر آیینه‌وند (۶۴ غربی) - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی - پژوهشکده تاریخ ایران

مقاله‌های این همایش ملی در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه خواهد شد.



Institute for Humanities and Cultural Studies

2nd Academic Conference (2023)

Cultural History in Iran: **(issues, concepts, methods and challenges)**

21 february 2023

LANGUAGES Persian, English

Abstract Deadline: 5 December 2022
Full Paper Deadline: 5 February 2023

Sub-Themes

What is cultural history?
Definition, fundamental vocabulary, concepts and subject matter
Theoretical frameworks

Historiography of "Cultural History"
Pioneers in cultural history
New cultural history and its relation to historical sciences
Challenges and opportunities of the historian in cultural historiography
The Methodological Aspects of Cultural History
World and Comparative Study of Cultural History

Cultural History in Iran
Current situation and its outlook
Review and evaluation of research products in the field of cultural history

Iranian Cultural History (Proposals for Research)
Continuity and breakdown of cultural affairs in Iranian history
Archaeology and cultural history (cultural anthropology, cultural semiotics, etc.)
Architecture and cultural history
The history of gender and women in cultural history
Everyday life and lifestyle in Iranian history
formal and informal culture
History of emotions (history of shame, history of fear, history of love, etc.)
history of mentality and cultural memory
rituals and cultural customs of Iran
War and Cultural history
Representation of cultural history in Persian

Website: ihcs.ac.ir/culturalhistory

Email: ich@ihcs.ac.ir

Conference secretariat address; Tehran- Kurdistan Highway- Dr. Aeinevand St. (64 West) - Institute for Humanities and Cultural Studies- Iranian History Department.

انجمن زبانشناسی ایران با همکاری پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌کند:



ششمین همایش ملی زبان‌شناسی ریاضی

تاریخ برگزاری:

۲۸ مهر ۱۴۰۱

مهلت ارسال مقالات:

۳۱ خرداد ۱۴۰۱

دبیران علمی:

دکتر مسعود قیومی
دکتر علی رضاقلی فامیان

دبیر اجرایی:

آزاده شکری

محورهای همایش:

- | | |
|-------------------------------|----------------------------------|
| پرداش واژه | یافتن خودکار ارجاع ضمیر |
| ماشین ترجمه | برچسب‌دهی مقوله دستوری |
| پرداش گفتار | تهیه شبکه‌های معنایی واژگان |
| تجزیه نحوی خودکار | تشخیص موجودیت‌های نامدار |
| سامانه پرسش و پاسخ | استخراج اطلاعات از داده زبانی |
| استانداردسازی داده زبانی | موتورهای جستجو و بازیابی اطلاعات |
| تهیه پیکره‌های دو یا چندزبانه | پرداش ساخت اطلاعی در جمله و متن |
| برچسب‌دهی نقش معنایی | |

لطفاً مقالات به رایانامه hamayesh@lsi.ir ارسال شود.

خواهشمند است برای نگارش مقاله از شیوه‌نامه انجمن زبان‌شناسی ایران که از طریق آدرس www.lsi.ir در دسترس است استفاده گردد.



ثڤو، شكاھ علوم انسانى ومطالعات فرهنجى



آرشیو خبرنامه در وبگاه پژوهشگاه

سلسله نشست‌های گفتگوی انتقادی (نشست اول)

تحلیل نظریه پردازانه وقایع اخیر ایران (ریشه‌ها و روایت‌ها)

دکتر محمدعلی فتح الهی
استادیار علوم سیاسی و رئیس پژوهشکده مطالعات سیاسی

دکتر موسی نجفی
استادتمام علوم سیاسی و رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر سیده زهرا اجاق
استادیار علوم ارتباطات و رئیس پژوهشکده مطالعات فرهنگی و ارتباطات

دکتر محمدسالار کسراپی
دانشیار جامعه‌شناسی و رئیس پژوهشکده مطالعات اجتماعی

دکتر سید جواد مبری
دانشیار جامعه‌شناسی تطبیقی

دبیر نشست: دکتر مالک شجاعی
استادیار فلسفه و رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع)

دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سه شنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۱

سردبیر: حوریه احدی

دبیر تحریریه: شهرام اصغری

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، مجید زارع، سعیده زندی و صادق کیا

ravabet1@ihcs.ac.ir

www.ihcs.ac.ir

پیام‌رسان‌ها: @ihcss, @pajoheshgah